

دل بریدن از آن سوی مرزها

رهبر معظم انقلاب: حل مشکلات اقتصادی نیازمند **همت، شجاعت و اهتمام جدی** است

دانشمند

ممتاز هسته‌ای

بسم الله الرحمن الرحيم
دانشمند برجسته و ممتاز هسته‌ای و دفاعی کشور جناب آقای محسن فخری زاده به دست مزدوران جنایتکار و شقاوت‌پیشه به شهادت رسید. این عنصر علمی کم‌نظیر جان عزیز و گرانبها را به خاطر تلاش‌های علمی بزرگ و ماندگار خود، در راه خدا می‌ذول داشت و مقام والای شهادت، پاداش الهی اوست. دو موضوع مهم را همه دست‌اندرکاران باید به جد در دستور کار قرار دهند، نخست پیگیری این جنایت و مجازات قطعی عاملان و آمران آن، و دیگر پیگیری تلاش علمی و فنی شهید در همه بخش‌هایی که وی بدان‌ها اشتغال داشت. اینجانب به خاندان مکرّم او و به جامعه علمی کشور و به همکاران و شاگردان او در بخش‌های گوناگون، شهادت او را تبریک و فقدان او را تسلیت می‌گویم و علو درجات او را از خداوند مسألت می‌کنم.

سید علی حسینی

نفس‌های

بلندآوازه

برای دانشمند شهید محسن فخری زاده

غریبانه گلی بار دگر در باغ پرپر شد
خیابان باز از سرخی خون لاله‌ای تر شد
غروب جمعه پاییز در یک بهت تکراری
نفس‌های بلندآوازه‌ای گمنام آخر شد
هوای معرکه می‌رفت کم‌کم رو به تاریکی
دماوند از عروج روح والایی منور شد
تصور کن تنی را پیش چشمان عزیزانش
میان دشمنان و قتی شبیه روضه مضطر شد
علی تنهاست، غیرت پیشه‌ها از جای برخیزد
که جان «محسن» ای دیگر فدای راه مادر شد
در آن آماج تیر و ترکش و آتش کسی فهمید؟
چه شد هنگامه از عطر دل‌انگیزی معطر شد؟
چه می‌داند کسی شاید شبیه کربلایی‌ها
سری مهمان زانوهای آن مولای بی‌سر شد

حسام‌الدین حسینی

۲ سرمقاله ترور ددمنشانه مجاهد عرصه اقتدار ملی و پیشرفت علمی

دانشمند پاسدار

و خادم ملت

جمعه هفتم آذر سال ۱۳۹۹ حدود ساعت ۱۶ خبر یک عملیات تروریستی در حال دست به دست شدن در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بود که پس از نیم ساعت یک نام بسیار ناآشنا برای مردم در این پیام‌ها به عنوان هدف آن عملیات تروریستی در شهر آسرسرد از توابع شهرستان دماوند پیچید؛ «محسن فخری‌زاده».

اما «محسن فخری‌زاده» اگر چه برای مردم ما بسیار ناآشنا بود، ولی ظاهراً نامش کابوسی بود برای دشمنان که خواب را از چشم سران رژیم صهیونیستی ریخته و آنها او را پدر دانش هسته‌ای ایران می‌دانند. اگر حاج قاسم سلیمانی نامی آشنا برای در هم کوبیدن رژیم نامشروع صهیونیستی شده بود، اما سردار شهید محسن فخری‌زاده از گمنام‌ترین مجاهدان کشور و برای دشمن مخوف‌ترین نام هاست. در مظلومیت او همان بس که این مرد عرصه علم سال‌هاست سرلیست ترور دشمن بوده است.

اما محسن فخری‌زاده کیست؟ تنها تصاویر منتشر شده از او در این سال‌ها مربوط می‌شود به دیدارهای علمی وزرای دفاع از مجموعه‌هایی چون دانشگاه مالک اشتر و نیز دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی با رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۹۷ که این یعنی شهید فخری‌زاده یک چهره کاملاً علمی دارد.

بلافاصله به نقل از شبکه‌های خارجی خبر ترور پدر دانش هسته‌ای ایران برجسته می‌شود؛ اما اخبار ضد و نقیضی از زنده ماندن وی نیز وجود دارد. تا اینکه وزارت دفاع به صورت رسمی خبر شهادت رئیس سازمان پژوهش و نوآوری این وزارتخانه و موفق نشدن پزشکان در احیای وی بعد از عملیات ترور را تایید می‌کند.

از همین زمان ابعاد تازهای از زندگی این ابر دانشمند گمنام و اقتدار آفرین روشن می‌شود. وی علاوه بر حوزه دانش هسته‌ای در تصدی مسئولیت‌های علمی و دفاعی پشت پروژه‌های مهمی، همچون کیت تشخیص سریع کرونا و نیز واکنش ایرانی آن بود. در حوزه شناسایی فعالیت‌های هسته‌ای، فناوری آشکارسازی تابش‌های هسته‌ای و نوترون‌های کیهانی برای کشف اقدامات پنهانی رژیم صهیونیستی، ساخت سلاح لیزری که رویای جنگ ستارگان نیکسون بود و بسیاری از پروژه‌های علمی اقتدار آفرین نقش داشته است. نقش هدایت علمی او در دستیابی به بخش‌های مهم چرخه کامل سوخت و همکازی با سایر دانشمندان هسته‌ای از جمله شهدای ترور هسته‌ای کشور نشان از کلیدی بودن شکار این تیم ترور بوده است.

شهید فخری‌زاده این عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع) نه تنها بر دانش هسته‌ای ایران، بلکه بر بسیاری از دانش‌های نوین و اقتدار آفرین پدیری می‌کرد.

اگر بخواهیم در محاسبه قدرت، مؤلفه‌های جدیدی را جای دهیم، به طور حتم علم و دانش مهم‌ترین و مؤثرترین مؤلفه قدرت در تعاریف جدید خواهد بود که این موضوع علت این ترور را روشن‌تر خواهد کرد.

شهید فخری‌زاده شاید اولین نفر از فهرست ترور موسسات بود که بعد از سال‌ها ترور شد و همین تأخیر در تحقق این اراده معطوف به باطل کمی از غمباری این ترور خواهد کاست؛ چرا که امروز موسسات، ام‌آی‌سیکس یا سیا و همه سرویس‌های وابسته منطقه‌ای آنها با فخری‌زاده‌ها که تربیت‌یافتگان مکتب علمی فخری‌زاده هستند، مواجه خواهند بود.

ترور و حشیانه ابر دانشمند اقتدار آفرین شهید فخری‌زاده هم به سبب تربیت ده‌ها فخری‌زاده هیچ خللی در حوزه دانش‌های اقتدار آفرین کشور ایجاد نخواهد کرد؛ به ویژه اینکه توسعه پروژه‌های تحقیقاتی وزارت دفاع در زمان تصدی شهید فخری‌زاده هم نشان از همین تکثیر دارد که هم‌زمان ده‌ها پروژه در این حوزه در حال پیشرفت است.

دانشمند پاسدار و خادم ملت

طراحان و عاملان این اقدام تروریستی، بدانند سخت مجازات خواهند شد.

۴ شهادت مظلومانه این دانشمند خدمتگزار ملت ایران از سوسی مثلث غربی، عبری و عربی، نشان می‌دهد چشم بستن به گشایش در امور کشور از طریق گشودن باب مذاکره با آدمکش‌های تروریست ساکن کاخ سفید در آمریکا، تا چه اندازه شباهت به چشم دوختن به سراب برای سیراب شدن دارد!

تعجب بسیاری آن است که جریان نفوذ و غربگرا و تأثیرپذیر از خط رسنه‌های غربی، تلاش می‌کند این امور را به دوران ریاست‌جمهوری ترامپ نسبت داده و زندانه، وعده اصلاح روابط و ایجاد گشایش با آمدن جو بایدن بدهد! غافل از اینکه، دانشمندان بنام هسته‌ای کشورمان، همانند شهیدان شهبازی، علی‌محمدی، احمدی‌روشن و رضایی‌نژاد، همگی در دوره دموکرات‌ها به شهادت رسیدند!

سال گذشته، برای متوقف کردن حرکت پیشرفت ملت ایران بوده است. پیشرفت‌های جمهوری اسلامی به دست دانشمندان نام‌آوری چون شهید فخری‌زاده در عرصه‌های گوناگون راهبردی، نشان می‌دهد که دشمنان در تمامی این راهبردها با شکست مواجه شده‌اند.

صهیونیست‌های بزدل و کودک‌کش و حامیان آنان بر این تصور هستند که با ترور دانشمندان کشور عزیزمان ایران، می‌توانند در عزم و اراده ایرانیان برای پیروزی راه پیشرفت به سمت قله‌های عزت و افتخار، خللی ایجاد کنند؛ ولی تجربه ۴۲ سال گذشته، نه تنها پلان این تصور و خیال‌خام را ثابت کرده، بلکه خون هر شهید مظلومی، سرعت پیشرفت کشور را شتاب بخشیده است.

۳ جمهوری اسلامی در تاریخ ۴۲ ساله خود اثبات کرده، پاسخ ددمنشی‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌های دشمنانشان راه قاطع و هوشمندانه در زمان مناسب می‌دهد. بنابراین

سطح بازدارندگی و ضربه متقابل، یک سهم بسیار بالایی است و مردم بصیر و هوشمند کشورمان، قسردان مجاهدت‌ها و تلاش‌های ارزنده و غرور انگیز این شهید هستند؛ چرا که ملت اهمیت و ارزش امنیت را به خوبی می‌داند. این خادم ملت و مجموعه تحت مدیریت او در وزارت دفاع، از زمان شیوع ویروس کرونا در کشور، گام‌های موفق و مؤثری را در عرصه مقابله با این بیماری برداشت و تولید کیت‌های تشخیص کرونا و تلاش برای تولید واکنس کرونا را در کارنامه پرافتخار خود به ثبت رساند.

۲ دشمن صهیونیستی با همکاری و حمایت‌های آمریکای، برخی از دولت‌های اروپایی و همچنین، برخی از کشورهای مرتجع عربی در منطقه همانند رژیم سعودی، در یک اقدام تروریستی این دانشمند خادم ملت را، به شهادت رساند. جنگ، تحریم و ترور، سه راهبرد اصلی جبهه استکبار طی ۴۲



۱ پاسدار رشید اسلام دکتر محسن فخری‌زاده، از جمله دانشمندان برجسته و ممتاز کشور بود که با مجاهدت‌های عالمانه و خالصانه خود طی سالیان متمادی، نقش مهمی در پیشرفت ایران داشت. این شهید والا مقام، از دانشمندان صنایع راهبردی دفاعی و هسته‌ای بود و در طول عمر با برکت خود، با نوآوری‌ها و ابتکارات مبتنی بر خلاقیت‌های بی‌نظیر، به ملت و نظام جمهوری اسلامی و همچنین جامعه علمی و دانشگاهی کشور، خدمات فراوانی را ارائه کرد. بی‌شک سهم شهید فخری‌زاده در ایجاد امنیت پایدار برای جمهوری اسلامی با دستیابی به قدرت دفاعی در

بازی با دستان خالی

چرا اصلاح طلب این روزها به کلیدواژه گزینه نظامی در ۱۴۰۰ می‌پردازند؟

۳ در ورای شویازی و پروپاگاندای رسانه‌ای که مدعیان اصلاح‌طلبی در طول این سال‌ها علیه حضور شخصیت‌های سیاسی با پیشینه نظامی به راه انداخته‌اند، آنچه در غرب قابل مشاهده است، حضور فعال و گسترده چهره‌هایی نظامی در عرصه سیاست است. بسیاری از ژنرال‌های کارکن شده پس از بازنگشتگی نه تنها خانه‌نشین نمی‌شوند، بلکه در پست‌های حساس و استراتژیک به کارگرفته می‌شوند تا منشأ اثر برای کشور شوند.

۴ در نظام اسلامی آنچه مبنای گزینش مسئولان است، شایسته‌سالاری است که مرجع تشخیص حد اقلی آن مبتنی بر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است و مرجع تشخیص حداکثری آن مردم هستند؛ به این معنا که صلاحیت‌های عمومی را شورای نگهبان بررسی می‌کند و از میان احراز صلاحیت‌شدگان، گزینه اصلاح را مردم با رأی حداکثری خود با حضور در پای صندوق‌های رأی انتخاب می‌کنند و کسی که از این فرآیند بیرون آید، بدون شک رئیس‌جمهور کشور خواهد بود.

ادعای تلاش نظامیان برای تسخیر قدرت ریاست‌جمهوری، ادعای دروغی است که اصلاح‌طلبان از طرح آن همواره در انتخابات سود برده‌اند، غافل از اینکه نظام مردم‌سالاری دینی که از نظریه حکومت اسلامی بیرون آمده است، هیچ‌گاه با توتالیتریسم و اقتدارگرایی جمع نخواهد شد و مردم همواره رکن و بنیان و اساس حکومت اسلامی بوده و خواهند بود.

عنوان وزیر دفاع نقش آفرینی کرده است. شمعانی نیز وزیر دفاع دولت اصلاحات بوده که هم اکنون دبیری شورای عالی امنیت ملی را بر عهده دارد. همه این افراد در دو دهه اخیر بیش از آنکه به عنوان یک رجل نظامی شناخته شده باشند، مدیران تر از اول کشور در تراز تصمیم‌گیری‌های کلان بوده‌اند که در مراکز غیرنظامی و در دستگاه‌های اجرایی و تقنینی فعالیت کرده‌اند؛ اما امروز اصلاح‌طلبان که نگران باخت انتخابات ۱۴۰۰ هستند و گزینه سنگین وزنی برای آوردن به آوردگاه انتخابات ندارند، ترجیح می‌دهند که تخریب رقیب و رقیب‌هراسی را مهم‌ترین شگرد برای پیروزی قرار دهند!

۲ در کتب نوشته شده در رشته علوم سیاسی، ورود نظامیان به سیاست اقدام مذمومی است که می‌تواند موجب تضعیف و کمرنگ شدن جایگاه مردم‌سالاری و حرکت به سمت توتالیتریسم شود. این نامطلوب بودن از آنجایی است که نظامیان، با حفظ ریاست آن مجموعه نظامی در جایگاه قدرت تکیه زنده و به واقع قوه مجریه را به زیر مجموعه‌ای از ارتش تبدیل کنند، در نتیجه نظامی‌گری در کشور حاکم شده، نهادهای جامعه مدنی تعطیل شده و اقتدارگرایی حاکم شود و مردم‌سالاری رخ بریندند! همان مسیری که در شکل‌گیری دولت‌های کوتاه قابل تصور است! چنین شرایطی به هیچ وجه در کشور ما ممکن نیست؛ چرا که در رأس این نظام فقیه جامع‌الشرایطی است که متضمن حفظ اسلامیت و جمهوریت نظام اسلامی است و اجازه شکل‌گیری هرگونه دیکتاتوری و خودکامگی را نخواهد داد.

این جریان مدعی است جریان ارزشی و نیروهای انقلابی این بار مصمم هستند که با گزینه‌های نظامی وارد کارزار انتخابات شوند. طرح بحث گزینه‌های نظامی با این هدف است که به افکار عمومی این گونه القا کنند که کشور در معرض قرار گرفتن در شرایطی است که دیپلماسی و گفت‌وگو با جهان کمرنگ شود، سایه جنگ بر سر کشور باز گردد، اقتدارگرایان به قدرت برسند، آزادی‌های سیاسی-اجتماعی کمرنگ شود و فعالیت‌های آزاد اقتصادی نیز با محدودیت‌های فراوانی مواجه شود و این همه با قدرت یافتن گزینه نظامی محقق خواهد شد! در این میان وقتی طلب می‌کنند که منظور از نامزدهای نظامی کدام گزینه‌ها هستند؟! چند نام بیشتر در سید شایعات آنان قرار ندارد! نام‌هایی چون محمدباقر قالیباف، محسن رضایی، حسین دهقان، علی شمعانی، پرویز فتاح، سعید محمد! دقت در اسامی فوق این حقایق را آشکار می‌کند که:

۱ اکثریت گزینه‌های فوق سال‌هاست از جایگاه نظامی‌گری خارج شده و بیش از آنکه به عنوان یک شخصیت نظامی شناخته شده باشند، یک رجل سیاسی به شمار می‌آیند. برای نمونه قالیباف، رئیس مجلس کنونی است که حدود دودهمه شهردار تهران بوده و از سال ۱۳۸۴ به عنوان یکی از نامزدهای اصلی انتخابات ریاست‌جمهوری فعال بوده است. محسن رضایی نیز سیاستمدار اقتصاددانی است که سال‌هاست در مجمع تشخیص مصلحت فعالیت داشته و در ادوار مختلف انتخابات گذشته نامزد انتخابات بوده است. حسین دهقان نیز جزء چهره‌های اعتدالی است که در دولت آقای روحانی به

متوقف نمی‌شویم

سرلشکر پاسدار محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیامی در پی شهادت دکتر محسن فخری‌زاده نوشت: بار دیگر تروریست‌های کوردل وابسته به استکبار جهانی و رژیم پلید صهیونیستی در اقدامی وحشیانه، یکی از مدیران و خدمتگزاران عرصه علمی، پژوهشی و دفاعی کشور را به شهادت رساندند. ترور این مدیر توانا و شایسته گرچه تلخ و ضربه‌سنگینی به مجموعه دفاعی کشور بود، اما دشمنان کوردل بدانند راهی را که شهید فخری زاده ها آغاز کرده اند، هرگز متوقف نخواهد شد. گروه‌های تروریستی و آمران و عاملان این اقدام کور هم بدانند که انتقام سختی در انتظار آنها خواهد بود.



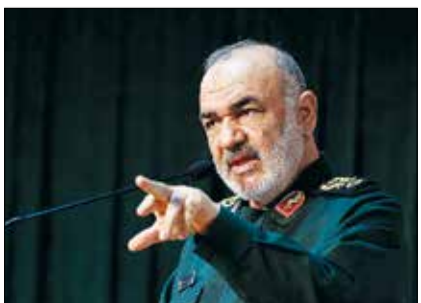
عجز مثلث شوم

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا در پیامی با اشاره به اینکه دشمنان قسم خورده ایران از هر راهی برای ضربه زدن به پیکره انقلاب اسلامی استفاده می‌کنند، تأکید کرد: دشمنان قدرت و توانمندی روزافزون ایران را خار چشمی در دیدگان خود می‌دانند و بر این امر واقفند که اقتدار جمهوری اسلامی ایران، اقتدار جبهه مقاومت و برچیدن بساط ظلم و جور در منطقه و الگویی برای آزادی و استقلال همه ملت‌های در بند استکبار است. حجت‌الاسلام والمسلمین علی سعیدی افزود: ترور شهید محسن فخری‌زاده بیانگر عجز و نایمندی مثلث شوم عبری-عربی-غربی است که بحمد الله در سرزیری افول و اضمحلال قرار دارند.



مجازات سخت

در پی شهادت دانشمند برجسته و پاسدار رشید انقلاب اسلامی دکتر محسن فخری‌زاده سردار سرلشکر پاسدار حسین سلامی در پیامی نوشت: بی‌شک مجاهدت‌ها و تلاش‌های ارزنده و غرور انگیز آن شهید ارجمند در حوزه صنعت دفاعی و دیگر حوزه‌های راهبردی کشور و نیز عرصه مقابله با ویروس کرونا در حافظه تاریخی این سرزمین ماندگار خواهد بود. دشمنان کوردل ملت ایران به‌ویژه طراحان، عاملان و حامیان این جنایت نیز بدانند این گونه جنایات در عزم و اراده ایرانیان برای ادامه این مسیر پرشکوه و اقتدار آفرین خللی ایجاد نخواهد کرد و انتقام و مجازات سخت از آنان در دستور کار قرار گرفته است.



روزنه

کارزار پنج ضلعی بایدن

علیه ایران

ابوالحسن سلطانی زاده

هادی سیاسی



به نظر می‌رسد، نتیجه انتخابات پر حاشیه و بحرانی آمریکا به روزهای پایانی خود نزدیک شده است و شواهد و قراین از پیروزی جو بایدن بر ترامپ قمارباز حکایت دارد. به راستی در صورت این جابه‌جایی آیا بایدن در قبال ایران اسلامی با ترامپ تفاوت معنادار و راهبردی دارد یا خیر؟

در پاسخ باید گفت، سیاست آمریکا بعد از انقلاب در قبال ایران بر اساس نظرات مهار به همراه تعامل گزینشی بوده است. این تعامل گزینشی معمولاً در دو حالت اتفاق می‌افتد: یک بار زمانی که آمریکا به ایران نیاز داشت، مانند تحولات منطقه‌ای و حل و فصل برخی معادلات منطقه‌ای، مانند عراق یا لبنان و یک بار دیگر زمانی که احساس می‌کند وقت آن شده که در سیستم داخلی ایران نفوذ و با اختلال محاسباتی سیاست داخلی را متأثر از این تعامل کند.

بایدن در راهبرد و سیاست‌های کلی در خصوص با ایران هیچ تفاوتی با ترامپ نخواهد داشت؛ بایدن در قبال ایران یک سیاست اعلامی خواهد داشت و یک سیاست عملی. در سیاست اعلامی، با استفاده از جنگ شناختی و تحریف، ایجاد دیدگاه مثبت در فضای عمومی و نجنگی کشور نسبت به آمریکایی متفاوت از ترامپ، نشان دادن حسن نیت ظاهری، برداشتن برخی تحریم‌های سمبولیک که اساساً مشکلات کشور را حل نمی‌کند، در دستور کار سیاست‌های اعلامی قرار می‌گیرد؛ اما در سیاست عملی کارزار پنج ضلعی را علیه ایران اسلامی پس از دوره‌ای کوتاه از روی کار آمدن آغاز خواهد کرد که شامل تشدید تحریم‌ها، حمایت از جریان غربگرا در داخل کشور، ایجاد اجماع جهانی علیه ایران، تشدید نبرد تحریف و در نهایت فشار منطقه‌ای از سوی متحدان و مرجعان خواهد بود.

هدف اساسی آمریکا، چه در دوران ترامپ و چه بایدن حذف تدریجی مؤلفه‌های قدرت ایران بوده و هست و هرگز به برجام به مثابه ابزاری برای رفع تحریم‌ها و توانمند شدن ایران نگاه نمی‌کند؛ و برجام هسته‌ای آغاز سلسله برجام‌های موشکی، منطقه‌ای و... است. بایدن از ابزاری که از ترامپ به او رسیده، برای چانه‌زنی و امتیازگیری استفاده خواهد کرد و قصد دارد از طرح بازگشت به برجام به مثابه اهرمی برای امتیازگیری استفاده کند؛ حال آنکه برای ایران برگشت آمریکا با قواره‌های جدید موضوعیت ندارد؛ بلکه رفع همه تحریم‌ها موضوعیت دارد. او به دنبال حل اختلاف با ایران نیست؛ بلکه به دنبال مهار قدرت ایران است و برای مهار، سلاحش را هرگز روی زمین نمی‌گذارد. بایدن در قبال ایران، یک فرمول سه مرحله‌ای دارند؛ توقف کارشکنی و برچیدن یا rowl back در یک بازه زمانی کوتاه دنبال می‌شود. هم ترامپ و هم بایدن در سیاست‌های اصولی علیه ایران مانند هم هستند؛ ولی در روش و تاکتیک متفاوتند در مقابل سیاست اصولی و راهبردی ایران همان است که رهبر معظم انقلاب در سخنان چهارم آبان خود فرمودند که علاج تحریم به خنثی‌سازی و بی‌اثر کردن تحریم است و این مسیر اگر چه سخت است؛ ولی عاقبت خوشی دارد.

استعفای معاون جنجالی و امید به باز شدن گره‌ها

حسین چخماقی

خبرنگار



استعفای «رضا ملک‌زاده» معاون سابق تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هم‌زمان با اعمال محدودیت‌های سراسری کرونایی در کشور، رخدادی قابل تأمل بود که حواشی و واکنش‌های بسیاری را در پی داشت و موجب تعجب بسیاری از مردم، متخصصان و فعالان حوزه بهداشت و درمان کشور شد.

رضا ملک‌زاده که تخصص فلوشیپ گوارش و کبد خود را سال ۱۳۶۴ از لندن گرفته، پیشتر در دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ وزیر بهداشت بود. ملک‌زاده در آن زمان از بنیان‌پیگیر و جدی کاهش فرزندآوری در کشور به شمار می‌آمد تا جایی که اعلام کرده بود: «امتیازات دولتی و کوبن به فرزندان چهارم به بعد که در سال ۱۳۷۱ متولد می‌شوند، تعلق نخواهد گرفت.» با روی کار آمدن دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ ملک‌زاده با حکم «سیدحسین قاضی‌زاده‌هاشمی» وزیر بهداشت وقت، به عنوان معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت مشغول به کار شد و بعدها در دولت دوازدهم نیز حتی زمانی که سعید نمکی جایگزین هاشمی شد، همچنان به فعالیت در این سمت ادامه داد.

اما آنچه باعث شد موضوع استعفای ملک‌زاده از معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت جنجالی شود، نامه‌ای بود که او هم‌زمان با اجرای محدودیت‌های کرونایی در کشور، به وزیر بهداشت نوشت و به مواردی تحت عنوان دلایل استعفای خود اشاره کرد. وی در این نامه ضمن غلط و پرتقص خواندن مدیریت کرونا در کشور، وضعیت کنونی را نتیجه عدم مشورت‌پذیری وزیر بهداشت و بی‌توجهی وی به هشدارهای متخصصان دانست.

در نامه استعفای ملک‌زاده که با لحنی بسیار تند خطاب به نمکی نوشته شده، شاهد حمله به وزیر بهداشت به دلیل توجه ویژه وزیر نسبت به استفاده از شیوه‌های طب سنتی در درمان کرونا هستیم.

اظهارات ملک‌زاده در نامه استعفایش در حالی مطرح شد که اسفند سال گذشته و هم‌زمان با شیوع کرونا در کشور، وزیر بهداشت و وظیفه بررسی مواردی از قبیل شیوع بیماری، اثربخشی رژیم‌های دارویی، بررسی روند اپیدمیولوژیک بیماری و... را به وی محول کرده بود.

نامه استعفای ملک‌زاده که نوعی بهانه برای فرار از مسئولیت او بود، با واکنش‌های زیادی رویه‌رو و موجب شد ابهاماتی درباره وی مطرح شود؛ از جمله ابهاماتی که مطرح شد بحث «تعارض منافع» ملک‌زاده بود که در چند سال اخیر، مسئولیت معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت را عهده‌دار بود؛ یکی از مصادیق تعارض منافع وی، فعالیتش به‌عنوان

عضو هیئت مدیره شرکت ساسان البرز طب و همچنین ریاست هیئت مدیره شرکت روزان دارو (تولیدکننده داروی سووداک) است. سووداک یکی از داروهایی است که طی چند ماه گذشته با عنوان «داروی مؤثر در درمان کرونا» به وفور در سطح داروخانه‌های کشور و همچنین بیمارستان‌ها یافت می‌شود.

گفتنی است، نمکی یک روز قبل از استعفای ملک‌زاده در جلسه ستاد دانشگاهی کووید ۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان گلایه‌هایی به روند تحقیقات در زمینه ویروس کرونا مطرح کرده و گفته بود: «۹۸ درصد از تحقیقات در نظام سلامت، صرف انتشار مقالات در مجلات می‌شود که به کار نمی‌آید. نامه بنده به دکتر ملک‌زاده در روزهای نخست شیوع کرونا در کشور را مشاهده کنید که ۱۰ آیتم تعیین شد، اما یکی از آنها تاکنون جواب نداده است.» وزیر بهداشت در این نامه حداقل به ۱۳ مورد تحقیق در زمینه کووید ۱۹ و آثار آن در کشور اشاره کرده و از این مسئله گلایه کرد.

پس از استعفای ملک‌زاده، بسیج دانشجویی تعدادی از دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور بیانیه‌ای صادر کردند و چند سؤال اساسی را از معاون مستعفی وزیر بهداشت پرسیدند. در متن این بیانیه آمده است: «تأسیس شرکت دارویی و تصدی سمت ریاست هیئت مدیره آن، هم‌زمان با حضور در سمت معاونت وزیر و تجویز برخی داروهای بی‌تأثیر برای درمان کرونا از ابهاماتی است که پاسخ ملک‌زاده را می‌طلبد.»

در همین زمینه «زهره الهیان» نماینده مجلس به صبح صادق گفت: «نامه استعفای معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت در حالی رسانه‌ای شد که مجلس نسبت به عملکرد ایشان خصوصاً در زمان پاندمی کرونا در کشور، انتقاد جدی داشت.»

وی با بیان اینکه این گونه رفتارهای شتاب‌زده و هیجانی از سوی شخصیت‌های علمی کشور به هیچ وجه انتظار نمی‌رود، تصریح کرد: «در شرایط بحرانی کرونا، بیش از آنکه در مسیر تلاش وزارت بهداشت، کارشکنی صورت بگیرد باید به شخص وزیر بهداشت و معاونان ایشان کمک شود تا با اراده و عزم جدی و با مشارکت نخبگان، بتوانند هر چه سریع‌تر، وضعیت بحرانی موجود را سر و سامان ببخشند.»

الهیان با بیان اینکه استعفای ملک‌زاده و نامه تند او به وزیر بهداشت، نوعی فرار به جلو و شانه خالی کردن از مسئولیت است، عنوان کرد: «معاون مستعفی وزیر بهداشت باید نسبت به اقدامات انجام‌شده گذشته خود، بالاخص در هشت ماه اخیر پاسخگو باشد.»

کلام آخر آنکه اگر چه در اوج محدودیت‌های سخت کرونایی در کشور، این استعفا ممکن است نگران‌کننده به نظر برسد؛ اما باید امیدوار بود که با رفتن ملک‌زاده بخشی از گره کور مبارزه با کرونا که در مهم‌ترین حوزه آن، یعنی تحقیقات، با عملکردی ضعیف صدای وزیر بهداشت را هم در آورده بود، باز شود.



عکس و مکت



نذر مهربانی! «حاج نصرت» پیرزن مهربانی است که با نذر سیب، جهادی از جنس مهربانی را آغاز کرده و به همراه گروهی از جوانان، آب سیب به بیماران کرونایی می‌رساند. حتماً غیرت او که در این سن روزانه کار شست‌وشو و آبگیری ۴۰۰ کیلو سیب را انجام می‌دهد، بیشتر از آن مسئولی است که در شب بزرگانه اجرای محدودیت‌ها، میدان مبارزه را رها و پشت وزیر بهداشت را خالی می‌کند.



چه جوری پاک‌شوی؟ با تفنگ! این جوابی است که احتمالاً کودک در تصویر بعدها مجبور است بدهد! در شرایط کرونا این روحانی نیت خوبی برای حفظ فاصله اجتماعی داشته، اما وسیله خوبی نداشته! تفنگ آب‌پاش؟ یعنی آب‌پاش نداشته؟ این تصویر رو افرادی ببینند که به بهانه کرونا سعی در عقب‌مانده نشان دادن اسلام و راهکارهای آن دارند و از همه چیز برای ضربه زدن به آن استفاده می‌کنند.



اسطوره ضد جنگ! دیه‌گو مارادونا اسطوره فوتبال جهان در ۶۶ سالگی از دنیا رفت. این فوتبالیست به عقاید ضدجنگ و مبارزه با استعمار آمریکا شناخته شده بود. وی با بسیاری از رهبران آزادیخواه آمریکای جنوبی روابط گرمی داشت و از دوستان جاور، کاسترو و... و تحت تأثیر چه‌گوارا بود. در این تصویر بر روی پیراهن خود عکس جرج بوش را به همراه نوشته جنایتکار جنگی چاپ کرده است.



سلبریتی مفید! در این تصویر برد پیت، بازیگر معروف سینما در حال توزیع غذای گرم در بین فقراي لس‌آنجلس در آمریکاست. سلبریتی‌ای که در تلاش برای تحمیل نظرات سیاسی خود به هوادارانش نیست و سرگرم وظایف اجتماعی خود است. فقر در همه جا هست، اما هنر بعضی سلبریتی‌ها این است که فقط بلندگو به دست گرفته و سیاه‌نمایی کنند!

انعکاس

تسهیل

در برابر تحریم

علی قاسمی

تحلیلگر ارشد
اقتصاد سیاسی

رهبر معظم انقلاب در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی مسئولان را به پیگیری راه حل های مشکلات اقتصادی در داخل کشور فراخواندند و از بین دوره رفع تحریم ها یا غلبه بر تحریم ها، راه اول را که از طریق مذاکره دنبال می شود، بی اثر دانستند و راه دوم را سخت، اما خوش عاقبت بیان فرمودند.

واقعیت این است که بسیاری از متولیان امر در حوزه اقتصاد به دلیل عملکرد ضعیف شان به جای اینکه پاسخگو باشند، اثر تحریم ها بر اقتصاد ایران را که کمتر از ۳۰ درصد برآورد می شود، بهانه قرار داده و تمامی مشکلات را به آن نسبت می دهند. اگر چه تحریم ها با اشکال مختلف و با فراوانی بالا اقتصاد کشور را در مضیقه قرار داده؛ اما شدت و حدت آن، به میزانی که وانمود می کنند، نیست و مضافاً اگر به جای نگاه به بیرون دوختن، ظرفیت های داخلی به نفع اقتصاد کشور آزاد می شد، بخش زیادی از مشکلات حل می شد.

برای خنثی سازی تحریم ها مسئولان مربوطه با جرت و جسارت در دل کار بروند و با حساسیت کارها را پیگیری کنند؛ چنانچه فعالان بازار و تحلیلگران اقتصادی نیز تصدیق می کنند، علت های غیر تحریمی و گاهی غیر اقتصادی باعث وضع موجود و جو حاکم بر اقتصاد کشور شده است. ضعف نظارتی، ناهماهنگی های بین سیستمی، سیاست های عجولانه، رانت جویی، توفیق نیافتن در مبارزه با فساد، ضعف سیستم نظارت در پایش مستمر و شناسایی گلوگاه های فسادخیز، بی توجهی به واقعیت های بازار و مشارکت نداشتن بخش خصوصی و... سبب افزایش بی اعتمادی عمومی شده است. لاجرم با ترمیم فضای بی اعتمادی عمومی، جبران اشتباهات گذشته و سرلوحه قرار دادن شفافیت و پاسخگویی از یک سو و اجرای راهبرد اقتصاد مقاومتی به اقتصاد قدرتمند و پایدار دست یافت. علاوه بر این باید چند اقدام اساسی با سرعت البته با دقت

و ظرافت صورت بگیرد. راهبرد تسهیل در برابر تحریم به منزله یکی از راهکارها برای نجات اقتصاد کشور در برابر تحریم هاست. این راهبرد به این معناست که دولت شرایط کسب و کار در داخل کشور را تسهیل کند و این راهکار سبب باز شدن دست و پای فعالان اقتصادی برای رونق تولید، تحرک در رشد اقتصادی و اشتغالزایی می شود. استفاده از مزیت های موقعیت جغرافیایی که شامل ۱۵ کشور همسایه با مرزهای آبی و خاکی است، می تواند بخشی زیادی از تحریم ها را خنثی کند. استفاده بهینه از امکانات موجود فرآوری معدنی و غذایی، اصلاح بودجه سالانه به ویژه بودجه شرکت ها و بانک ها، نگاه راهبردی به تولیدات کشاورزی، احیای ظرفیت خالی شرکت ها و بنگاه های تولیدی همراه با اصلاح نظام مالیاتی و بانکی شیوه های عاجل در برون رفت از این نابسامانی های اقتصادی است. ارتقای ارزش پول ملی، انضباط مالی، ایجاد ثبات اقتصادی از طریق ساماندهی نرخ ارز، کاهش هزینه های جاری با کوچک سازی و چابک کردن سازمان های دولتی اقدامات فوری داری است که در کنار سایر اقدامات مذکور باید در دستور کار دولت و مجلس قرار گیرد.



دل بریدن از آن سوی مرزها

رهبر معظم انقلاب: حل مشکلات اقتصادی نیازمند همت، شجاعت و اهتمام جدی است

کاهش مشکلات مردم برشمردند.

امیدبستن به بیگانه غلط است

آیت الله العظمی خامنه ای در ادامه بر تأکید بر اینکه باید بنا را بر این بگذاریم که گشایشی از خارج انجام نخواهد شد، افزودند: کسانی که برخی چشم امید به آنها دارند با ما دشمنی می کنند، ضمن آنکه شرایط داخلی آنها به هیچ وجه روشن نیست و گرفتاری های اخیر، امکان صحبت و موضع گیری در مسائل بین المللی را به آنها نمی دهد و نمی توان روی حرف آنها حساب و برنامه ریزی کرد. ایشان همچنین به پاره گویی های اخیر سه کشور اروپایی نیز اشاره کردند و گفتند: «وضع آمریکا که مشخص نیست و اروپایی ها هم دامن در حال موضع گیری بر ضد ایران هستند. آنها در حالی که خودشان بیشترین دخالت های نادرست را در مسائل منطقه دارند، به ما می گویند در منطقه دخالت نکنید و در حالی که انگلیس و فرانسه دارای موشک های مخرب اتمی هستند و آلمان نیز در این مسیر قرار دارد، به ما می گویند موشک نداشته باشید.» رهبر معظم انقلاب اسلامی گفتند: «به شما چه ربطی دارد، شما اول خودتان را اصلاح کنید و بعد اظهار نظر کنید. به بیگانگان نمی توان اطمینان کرد و به امید گشایش آنها بود.»

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در پایان خاطر نشان کردند: «اگر حرکت و عمل در دستور کار قرار گیرد و کارهایی که می تواند به نفع مردم باشد، انجام شود، یقیناً دولت دوازدهم پایان خوبی خواهد داشت.»

راهکارهای عملی

رهبر معظم انقلاب با بیان بعضی از راه حل های پیشنهاد شده کارشناسان و متخصصان در چهار سرفصل «کسری بودجه»، «افزایش سرمایه گذاری دولتی و نهادهای عمومی»، «جوش تولید» و «حمایت از قشرهای ضعیف» ابراز امیدواری کردند که با اجرای این راهکارها، آثار مثبتی در اقتصاد کشور و زندگی مردم پدید آید.

آیت الله العظمی خامنه ای با اشاره به اینکه با وجود برخی کارها، شعار سال در حد انتظار تحقق نیافته، افزودند: «کارشناسان بخش های دولتی و غیردولتی برخی راهکارهای عملیاتی مشخص را برای جهش تولید پیشنهاد کرده اند، از جمله «افزایش تولید خودرو با اتکا به ظرفیت قطعه سازان داخلی»، «افزایش تولیدات صنعت نفت با تکیه بر دانش بنیان کردن صنایع نفتی» و «افزایش تولید خوراک دام و دام های روغنی.» رهبر معظم انقلاب همچنین بر «ضرورت حمایت از قشرهای ضعیف» تأکید کردند و افزودند: «اقتصاد خانواده ها به علت رکود تومی در چند سال اخیر به شدت تحت فشار بوده و اکنون نیز کرونا بر مشکلات افزوده و دشواری های جدی معیشتی برای گروه های زیادی از مردم به وجود آورده است که باید در این زمینه اقدامی جدی انجام داد.» ایشان «ایجاد نظام متمرکز تأمین اجتماعی برای آحاد مردم» و «ایجاد پایگاه ملی ایرانیان با اتصال پایگاه های مختلف اطلاعاتی به یکدیگر» را از جمله پیشنهاد های کارشناسان برای

برای مشکلات اقتصادی کشور راهکارهای مشترکی دارند. بنابراین مشکل، نداشتن یا نداشتن راهکار نیست؛ بلکه نیازمند همت، شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری هستیم.» رهبر معظم انقلاب اسلامی نکته دوم خود را به موضوع تحریم ها به عنوان یک واقعیت تلخ و جنایت آمریکا و شرکای اروپایی بر ضد ملت ایران اختصاص دادند و افزودند: «این جنایت سال هاست که بر ضد ملت ایران انجام می شود، اما در سه سال اخیر شدت یافته است.»

مذاکره را امتحان کردیم

امام خامنه ای با تأکید بر اینکه برای علاج تحریم ها دو مسیر «خنثی سازی تحریم ها و غلبه بر آنها» و «رفع تحریم» وجود دارد، افزودند: «البته ما مسیر رفع تحریم را یکبار امتحان و چند سال مذاکره کردیم؛ اما به نتیجه ای نرسید.» رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به مسیر غلبه بر تحریم ها و بی اثر کردن آنها، گفتند: «این مسیر ممکن است در ابتدای کار، سختی ها و مشکلاتی داشته باشد، اما خوش عاقبت است.» ایشان خاطر نشان کردند: «اگر با تلاش و ابتکار و با سینه سپر کردن در مقابل مشکلات بتوانیم بر تحریم ها غلبه کنیم و طرف مقابل بی اثر شدن تحریم ها را ببیند، به تدریج دست از تحریم بر خواهد داشت؛ ما ظرفیت ها و توانایی های فراوانی برای بی اثر کردن تحریم ها داریم، به شرط آنکه بخواهیم و همت کنیم و به دل مشکلات برویم.»

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رؤسای سه قوه و دیگر اعضای شورای عالی هماهنگی اقتصادی با اشاره به چهار محور لازم برای اقتصاد کشور، یعنی حل مشکل کسری بودجه، افزایش سرمایه گذاری، جهش تولید و حمایت از قشرهای ضعیف خاطر نشان کردند: «باید با همت جدی و تلاش پیگیر مسئولان، تأثیر اجرای راهکارهای عملی در زندگی مردم مشخص شود.»

اقتصاد مسئله اصلی

آیت الله العظمی خامنه ای، اقتصاد را موضوع اصلی کشور خواندند و افزودند: «اینکه در سال های اخیر شعار هر سال، موضوعی اقتصادی انتخاب شده، به همین دلیل است. ضمن آنکه معیشت مردم حقاً دچار تنگی شده و در ماه های اخیر نیز کرونا، مشکلات را بیشتر کرده است.» ایشان افزودند: «هدف از برگزاری این جلسه، بیان راهکارهای عملی است که در کوتاه مدت نتیجه دهد و تأثیر آن در زندگی مردم مشخص شود که البته لازمه اجرای این راهکارهای عملی و تأثیر گذاری آنها، همت جدی و تلاش پیگیر رؤسای قوا و مسئولان مرتبط با سه قوه در تشکیلات و سازمان های آنهاست.»

راه حل وجود دارد

رهبر معظم انقلاب اسلامی قبل از بیان راهکارها، دو نکته مهم را بیان کردند و افزودند: «کارشناسان

حضور بایدن در کاخ سفید یک فرصت است؟

چرایی نگارش نامه جمعی از اصلاح طلبان و امید بستن به پیروزی دموکرات ها در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا



حسین عبداللهی فر

جریان شناس

چنانچه پیش بینی می شد، تعدادی از اصلاح طلبان به شکلی شتابزده و پیش از اعلام رسمی نتایج انتخابات آمریکا، دست بر قلم برده و پیروزی بایدن بر ترامپ را یک فرصت خواندند. این جماعت در حالی تلاش کردند این رویداد را فرصت مجددی برای مذاکره و بازگشت به برجام معرفی کنند که هنوز زمان زیادی از وعده های دروغین آنها به مردم در ساختن چهره های منطقی از آمریکا و رفع تحریم ها از طریق مذاکره و حل مشکلات کشور از طریق توافق با کدخدا نگذشته است. معلوم نیست کسانی که دروغ های شان ثابت شده، چگونه و با چه رویی دوباره وعده حل مشکلات کشور با بایدن را می دهند و اگر او هم مانند اسلاف خود در کاخ سفید عمل کرد، اینها چه حرفی برای گفتن خواهند داشت؟

تردیدی نیست که سیاست بایدن به عنوان چهره ای سیاسی و کارکننده به نسبت ترامپ کم عقل و متکبر برای ملت مسلمان و مستقل ایران به مراتب خطرناک تر و پیچیده تر خواهد بود؛ اما اصلاح طلبان که در حال حاضر خود را بر سر دوراهی حیات و ممات می بینند و می دانند به هر قیمت باید به انتخابات بازگشته و با نامزد

است. چنانچه نمایندگان جمهوری خواه از هم اکنون اعلام داشته اند که اجازه نخواهند داد تا بایدن نسبت به کاهش تحریم های ایران به اقدام خودسرانه ای دست بزنند.

۲- اگر چه ترامپ برجام را به شکل علنی پاره کرد، اما مردم ایران به خاطر دارند که نقض برجام در دوره او بام شروع شد و نامزدهای هر دو حزب دموکرات و جمهوری خواه در وعده نقض برجام با یکدیگر مسابقه گذاشته بودند. ضمن آنکه مشکل ترامپ با وجود آنکه ادعای نداشتن نفع اقتصادی برای کشورش، مشکل اصلی خود با برجام را بندی معرفی می کرد که به پایان تحریم ها اشاره داشت و تحت عنوان «غروب آفتاب» از آن یاد می شود. این دقیقاً همان موردی است که بایدن نیز از لزوم تغییر آن سخن گفته است.

۳- اگر اصلاح طلبان برای مقاصد جناحی خویش خود را به تغافل می زنند؛ اما مردم ایران می دانند از ۵۳ تحریمی که در طول ۴۰ سال گذشته بر ملت ایران تحمیل شده، ۷۰ درصد آن در دوره دموکرات ها اعمال شده است. چنانچه اعضای اصلی تیم مذاکره آمریکا نیز شخصیت های برجسته دموکرات ها بوده و در تحمیل تحریم های ظالمانه به ملت ایران نقش داشته اند.

۴- اصلاح طلبان به گونه ای از پیروزی بایدن هیجان زده شده و در بیانیه ۵۰۰ وازه ای خود پنج بار از کلمه فرصت استفاده کرده اند که انگار پیش از روی کار آمدن ترامپ، دولت آمریکا به همه تعهدات خویش در برجام پایبند بوده و هیچ

اختصاصی یا مشترک، خود را در قدرت سهیم کنند، لازم است اشتباهات گذشته خویش در حمایت از دولت فعلی را توجیه کنند و اکنون که ترامپ به عنوان عامل خروج آمریکا از برجام شکست خورده، می توانند همه اشکالات را متوجه وی کنند. از این منظر پیروزی بایدن برای جریان اصلاحات یک فرصت است.

۱- شکست خویش در بهبود وضعیت اقتصادی کشور و معیشت مردم را توجیه کنند.

۲- ناکامی در خوش بینی به غرب در رفع تحریم ها را جبران کنند.

۳- وعده های دروغی که به مردم دادند را توجیه کنند.

۴- بر شکست سیاست خویش در معرفی تعامل و مذاکره به عنوان ریشه حل مشکلات اقتصادی کشور سرپوش بگذارند.

۵- ادعای خود را در معرفی آمریکا به عنوان دولتی اهل مذاکره و پایبند به تعهدات تکرار کنند.

۶- افکار عمومی را از علل واقعی ناکارآمدی دولت مورد حمایت شان منحرف کنند.

اما چرا حضور بایدن در کاخ سفید برای ملت ایران هرگز یک فرصت نیست:

۱- جابه جا شدن دولت ها و دست به دست شدن قدرت میان دموکرات ها و جمهوری خواهان هیچ تغییر محسوسی در دشمنی با ملت ایران نداشته و اساساً سیاست خارجی آمریکا در حیطه اختیارات کنگره این کشور، نه کاخ سفید

تحریمی علیه کشورمان در دوره او بام اعمال نشده است. ضمن آنکه ظاهر اصلاح طلبان برخورد دولت آمریکا با دولت اصلاحات را که اتفاقاً دموکرات هم بودند، از یسار برده اند که چگونه گفت و گو و تمدن ها را با معرفی کشورمان به عنوان محور شرارت پاسخ دادند. شاید این جماعت قصد دارند همه جنایت ها و خیانت های آمریکا علیه کشورمان را به شخص ترامپ مرتبط سازند.

۵- حزب دموکرات آمریکا دو طیف راست (تندرو) و چپ (معتدل) دارد. اصلاح طلبان در حالی تلاش می کنند بایدن را ادامه او بام معرفی کنند که او بام به طیف چپ نزدیک بود و بایدن را جهت ایجاد تعادل به کابینه او بام تحمیل کردند. زیرا او بام در مصاحبه با «دفی گولدر» اظهار کرده بود، ورود به مذاکره با ایران را با نگاه پذیرش واقعیتی به نام جمهوری اسلامی تجویز می کند و حتی معتقد بود عربستان باید واقعیت ایران را بپذیرد؛ اما خانم کلینتون که نماد راست این حزب است، نگاهش به مذاکره ابزاری برای کنترل ایران بود. رابرت گیتس - که آن موقع جمهوری خواه و وزیر دفاع او بام بود در کتاب خاطرات خود گفته که این دو نگاه در دولت او بام تا روز تظاهرات روز قدس سال ۸۸-

وقتی آن شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران در آمد و وجود داشت و نگاه خانم کلینتون تقریباً بر نگاه تیم او بام غلبه کرد و تیم او بام این نگاه را پذیرفتند و بعد از آن وارد مذاکرات شدند.

برزخ صهیونیست‌ها

آشفتگی در مواجهه با مشکلات داخلی و خارجی



الله‌کرم مشتاقی

کارشناس مسائل منطقه

تهاجمی می‌داند. به همین دلیل به احتمال زیاد در روزهای آتی به حملات گسترده‌تری دست خواهد زد، او در حال آخرین تلاش‌های خود برای کشاندن آمریکا به جنگ با ایران است، همچنین درصد است به سوریه بقبولاند که اگر همچنان میزبان مستشاران نظامی ایران باشد، با تهاجمات گسترده‌تری مواجه خواهد شد. واقعیت آن است که حداقل از سال ۲۰۱۵ تاکنون وضعیت به ضرر رژیم صهیونیستی و به سود محور مقاومت در حال تغییر است؛ مقاومت ملی یمن از تجربه و مهارت کافی برای مواجهه جدی با ریاض برخوردار شده است، حماس با وجود مخالفت ترکیه در حال تمیم جدی روابط با سوریه است، غرب دیگر به سقوط اسد فکر نمی‌کند و حالا این دمشق حزب‌الله به یکی از قدرت‌های بلامنازح لبنان تبدیل شده است و حتی فرانسوی‌ها هم با وجود دشمنی که با مقاومت اسلامی دارند، نتوانسته‌اند قدرت و نفوذ مردمی حزب‌الله را انکار کنند، از همه مهم‌تر جمهوری اسلامی با تمام فشارهای خارجی که علیه او انجام شده، توانسته است نبض منطقه را کماکان در دست داشته باشد. کوتاه آنکه جادوگر صهیونیست بقیای خود را در نزاع، ادامه جنگ و گسترش آن به فراتر از مرزهای فلسطین اشغالی می‌داند؛ به همین دلیل در سال‌های ۲۰۱۰، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴، ۲۰۱۶، ۲۰۱۸، ۲۰۱۹ به محض تنگ شدن عرصه سیاسی به ماجراجویی‌های بزرگ علیه جمهوری اسلامی، فلسطین، سوریه و نیروهای مقاومت در منطقه دست زده است. این بار نیز موشک‌پرانی‌ها، بزرگ جلوه دادن خطر حضور مستشاران ایرانی در سوریه و همچنین تلاش برای نزدیکی بیشتر با برخی از کشورهای عربی از سوی نتانیاهو در حکم تنفس مصنوعی برای زنده نگه داشتن عمر سیاسی خود است، اما بعید به نظر می‌رسد جادوگر، این بار از آتشی که به پا شده است، حتی در داخل اراضی اشغالی جان سالم به در ببرد.

علیه افغانستان

مذاکرات بین‌الافغانی با فشار آمریکا



اسماعیل باقری

کارشناس مسائل افغانستان

مذاکرات مستقیم آمریکا با طالبان، به خوبی نشان داد مبارزه با تروریسم، ایجاد امنیت و ثبات سیاسی، برقراری دموکراسی و ارزش‌های حقوق بشری و مواردی از این قبیل دغدغه اصلی آمریکا و متحدانش در افغانستان و منطقه نبوده و کاخ سفید اساساً به دنبال مدیریت نامنی‌ها، پیشبرد اهداف فتنه‌گرانه و به ویژه تخریب روابط کشورهای منطقه با یکدیگر است. آمریکا و نماینده آن «زلمی خلیل‌زاد» با امضای توافق‌نامه صلح با رهبران طالبان، عملاً دولت افغانستان و بازیگران داخلی آن را نادیده گرفتند؛ اما با مطرح کردن مذاکرات بین‌الافغانی و تعیین پیش‌شرط‌هایی نظیر آزادی ۵ هزار نفر از زندانیان طالبان و ۱۷۰۰ زندانی نیروهای امنیتی افغانستان، تغییر قانون اساسی و نظام سیاسی فعلی، جامعه افغانستان را در مسیری هدایت کردند که نتیجه آن همانند سابق افزایش حملات طالبان، تشدید نامنی‌ها و کشتار غیرنظامیان خواهد بود که دردناک‌ترین نمونه آنها حمله تروریستی اخیر داعش به دانشگاه کابل بود. به هر حال با وجود آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در ۲۲ شهریور سال جاری، اختلاف بر سر نحوه مذاکره و تأکید طالبان بر فقه حنفی در مذاکرات و مبنای گرفتن توافق دوحه، موجب بن‌بست مذاکرات شده بود؛ اما با سفر اخیر پمپو، وزیر خارجه آمریکا به دوحه و تأکید بر ادامه مذاکرات افغان‌ها، هیئت‌های مذاکره‌کننده دولت افغانستان و گروه طالبان به توافقاتی دست یافته‌اند. پمپو شنبه ۱۳۹۹، در سفر به دوحه که خلیل‌زاد نیز حضور داشت، با هیئت‌های مذاکره‌کننده صلح جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان دیدارهای جداگانه داشت. وی هدف از سفر خود دیدار با اعضای این هیئت‌ها را به دست آوردن دیدگاه‌های دوطرفه برای رسیدن به یک توافق عنوان کرده است. نمایندگان طالبان در دیدار خود با پمپو بر اجرای توافق‌نامه دوحه، حذف اسامی اعضای طالبان از فهرست

جهان

شماره ۹۷۸ | دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۹

صداقت

یادداشت

تلاش نافرجام

محمد رضا فرهادی

کارشناس مسائل منطقه



پمپو در پایان سفر منطقه‌ای خود به عربستان سعودی رفت تا بار دیگر در ائتلاف با ریاض به اقداماتی در جهت حضور هر چه بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه اقدام کنند. بسیاری از شبکه‌ها و رسانه‌های صهیونیستی نیز مدعی حضور نتانیاهو در منطقه تنوم عربستان در مدت زمان حضور پمپو در این کشور شدند. این دیدار سه جانبه (پمپو، بن‌سلمان و نتانیاهو) اهداف خاصی دارد:

عربستان سعودی قصد دارد تا قبل از روی کار آمدن بایدن و به همراهی دولت فعلی آمریکا، اقدامات منطقه‌ای خود را از طریق همکاری با رژیم صهیونیستی به سرانجام برساند؛ زیرا به تازگی دموکرات‌ها متوجه شده‌اند حکومت سعودی و شخص محمد بن سلمان در خلال رقابت‌های انتخاباتی کمک‌های مالی زیادی برای پیروزی ترامپ انجام داده‌اند و بدترین اتفاق ممکن برای احزاب آمریکایی است که یک کشور خارجی به یک حزب در رقابت‌های انتخاباتی کمک کند. عربستان نیز از این مسئله واهمه دارد که در دولت آینده آمریکا توجه چندانی به این کشور نشود و ریاض در یک تنگنای امنیتی و سیاسی از سوی واشنگتن قرار گیرد.

آنچه این افراد را در عربستان گرد آورده، تلاش برای مقابله و تحدید منطقه‌ای ایران است. بعد از این دیدار پمپو بار دیگر به صراحت اعلام کرد، راهبرد فشار حداکثری علیه ایران ادامه خواهد داشت. از این دیدار و آنچه پمپو در رابطه با آن صحبت کرده، سه فرضیه به ذهن متبادر می‌شود: الف- این ائتلاف سعودی-صهیونیستی قصد انجام اقدام سخت علیه ایران را دارد. این فرضیه تا حدود زیادی بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا خود آمریکایی‌ها بارها این گونه اقدامات را علیه ایران منتفی دانسته‌اند. بد این ائتلاف مترصد اقدامات امنیتی-نظامی-سیاسی در منطقه است. در این رابطه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و حضور فعال‌تر این رژیم در برخی کشورهای منطقه این فرضیه را بسیار پررنگ خواهد کرد. البته این اقدامات در ابعاد امنیتی می‌تواند جلوه بیشتری داشته باشد؛ زیرا ایجاد هرگونه آشوب در منطقه بیشترین بهره را نصیب رژیم صهیونیستی خواهد کرد. ج- با توجه به رسانای شدن حضور تیم صهیونیستی در عربستان سعودی، این دیدار زمینه‌ساز ایجاد روابط آشکار میان عربستان و رژیم صهیونیستی قبل از پایان دولت ترامپ است. «ایهود یعاری» تحلیلگر امور خاورمیانه رژیم صهیونیستی در گفت‌وگو با شبکه ۱۲ تلویزیون این رژیم، گفت: «روابط میان اسرائیل و عربستان از دهه ۸۰ قرن گذشته مستحکم شده است. روابط ما در گذشته شامل طرح‌هایی برای ایجاد خط لوله نفت از میدانی خلیج فارس از طریق اسرائیل به دریای مدیترانه بود؛ اما به دلایل سیاسی این طرح‌ها اجرا نشد... برای عربستانی‌ها جای خرسندی داشت. عربستانی‌ها امید زیادی دارند که عمان و مراکش نیز مانند امارات، بحرین و سودان به آنها بپیوندند.» البته عربستان در زمینه عادی‌سازی محتاط‌تر گام برداشته و این اقدامات نشان‌دهنده سنجش وضعیت موجود برای ایجاد رابطه در آینده است.

وزیر خارجه دولت بایدن کیست؟

وزیر جنگ طلب!

رسمی‌سازی، استیث گرفت: جو بایدن، نماینده پیروز دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۰ ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا مشاور قدیمی خود در سیاست خارجی، یعنی آنتونی بلینکن را به عنوان نامزد ریاست وزارت خارجه در نظر گرفته است. بلینکن در سطح بین‌المللی مورد احترام است، اما زمانی که از مداخله نظامی صحبت به میان بیاید، سابقه بلینکن چندان اطمینان‌بخش نیست. وی معتقد است، دلیل شکست سیاست ایالات متحده در سوریه این بوده که نیروی کافی به کار نگرفته است. او از حامیان حمله به عراق بوده است. طبق برخی گزارش‌ها، او طرفدار مداخله لیبی بوده و حتی در ابتدا، از حمایت ایالات متحده از جنگ ائتلاف سعودی علیه یمن هم پشتیبانی کرده است. به طور خلاصه، بلینکن با برخی از بزرگ‌ترین اشتباهات سیاست خارجی که بایدن و اوایما مرتکب شده‌اند، موافق بوده و بیشتر از هر دوی آنها به مداخله نظامی تمایل دارد.

بایدن و رژیم صهیونیستی!

المیادین: جو بایدن می‌داند که موضع اسرائیل (رژیم صهیونیستی) در مورد پرونده هسته‌ای ایران، ارتباطی به دولت ترامپ ندارد، بلکه بر یک دیدگاه فراگیر و کلی متکی است که مؤسسات امنیتی و اطلاعاتی تل‌آویو، آن را بنیان نهاده‌اند. با اینکه دولت آینده ایالات متحده با دشواری‌هایی در تعامل با حکومت راست‌گرای اسرائیل قرار می‌گیرد که به سخاوتمندی‌های ترامپ عادت کرده است، اما هرگز در پرونده‌هایی که محل اختلاف بین این دو است، با سیاست اسرائیل برخورد نمی‌کند.

پیام تهدیدآمیز

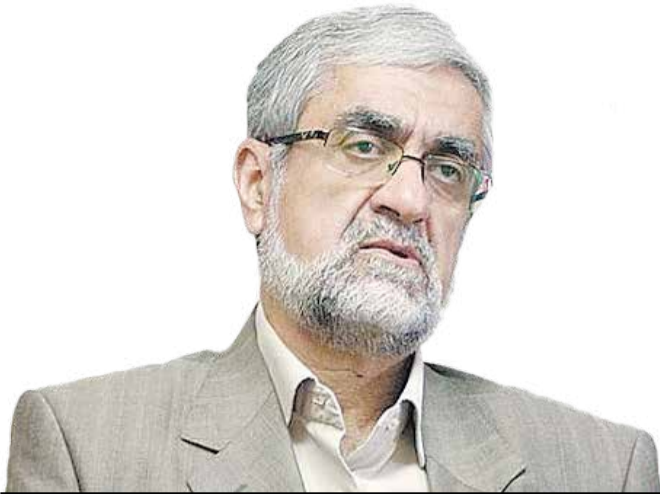
رأی‌الایوم: به تازگی یاسین اوکتای، مشاور اردوغان و یکی از نزدیک‌ترین شخصیت‌ها به او مقاله‌ای برای روزنامه «ینی شفق» وابسته به حزب حاکم ترکیه با عنوان «همان‌طور که ترکیه، لیبی و آذربایجان را نجات داد... آیا ترکیه برای نجات یمن از «طوفان قاطعیت» وارد عمل خواهد شد؟»، نوشته است. این مقاله در تمام پایگاه‌ها و دستگاه‌های اطلاع‌رسانی حامی ترکیه منتشر شد. این مقاله پیام تهدیدآمیز بسیار خطرناکی برای عربستان و امارات است، چراکه مداخله ترکیه در یمن تمام معادلات سیاسی و نظامی را در آنجا تغییر می‌دهد؛ به ویژه اینکه ترکیه به دلیل مداخله‌های نظامی‌اش در لیبی، سوریه، سومالی و به تازگی آذربایجان مهارت‌های بزرگی به دست آورده است. مقاله اوکتای همچنین ترسیم‌کننده نقش آتی ترکیه در شبه جزیره عرب و محاصره یمن است.

آمریکا مهیای جنگ نیست

الجزیره: استفاده آمریکا از ظرفیت‌های نظامی‌اش علیه ایران، مستلزم آمادگی‌های بسیاری است که از اعزام بمب افکن‌های بی ۵۲ فراتر بوده و نیازمند استقرار ناوهای هواپیمابر در خلیج فارس یا دریای مدیترانه است، به اضافه آنکه پایگاه‌های واشنگتن در خلیج فارس، عراق و چه بسا در آنجولیک ترکیه نیز باید در حالت آمادگی باشند. بر این اساس، با توجه به اینکه شرایط مذکور فراهم نیست، نمی‌توان انتظار داشت که آمریکا مهیای جنگ شود. بنابراین، می‌توان اقدام اخیر آمریکا در مورد استقرار بمب افکن‌ها را تلاشی برای تحریک ایران و سوق دادن آن به سمت حمله به اهداف و پایگاه‌های آمریکایی در خلیج فارس دانست. ضمن اینکه نشانه‌های نظامی در میدان، حتی در صورت خواست ترامپ هم حاکی از وجود ضربه آمریکا به ایران نیست، چرا که مؤسسه نظامی در ایالات متحده در تعامل با چنین دستوراتی از سوی رئیس‌جمهور، بسیار حرفه‌ای تصمیم‌گیری و عمل می‌کند.



رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد



طرح‌های حمایتی نباید تورم‌زا باشند

یادداشت

ارزش پول ملی
و جهش تولید

روح‌الله صنعتکار

پژوهشگر اقتصادی



تحقق تولید نیازمند وجود عواملی از جمله نیروی کار، سرمایه، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و... است. عواملی که بدون وجود هر یک خلل جدی در فرآیند تولید رخ داده یا تداوم تولید با مانع مواجه می‌شود. مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، اقتصاد کشورمان ظرفیت بالایی برای افزایش بهره‌وری عوامل تولید دارد. اما علیرغم این هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب بهره‌وری عوامل تولید، فاصله زیادی وجود دارد. اگر بتوانیم وضعیت بهره‌وری عوامل تولید را بهبود ببخشیم، این موضوع در نهایت سبب افزایش تولید و در عین حال کاهش هزینه‌های تولید برای یک واحد کالا می‌شود. طبیعی است کاهش هزینه‌های تولید موجب افزایش تولید و به تبع آن عرضه کالا شده و این موضوع منجر به کنترل تورم می‌شود. از طرفی ارزش پول ملی، متأثر از عوامل متعددی است که مهم‌ترین عامل، جریان توری می‌است که در داخل کشور شکل گرفته و به واسطه آن رابطه، مبادله پول با کالاها و خدماتی که در داخل تولید و عرضه می‌شود، تعریف می‌شود. متأسفانه طی سال‌های گذشته، ارزش پول ملی به شدت دچار تزلزل و تنزل شده و این امر موجب کاهش قدرت خرید مردم به ویژه اقشار کارگر، کارمند و طبقه متوسط و ضعیف جامعه شده است. در همین راستا و با توجه به کاهش ارزش پول ملی، بسیاری از مردم برای حفظ قدرت خرید خود، تلاش می‌کنند دارایی‌های نقدی خود را از ریال به ارز و طلا تبدیل کنند. اگر چه کاهش ارزش پول ملی به واسطه تورم ساختاری در اقتصاد ایران و عموماً همزمان با افزایش نرخ ارز خود را نشان می‌دهد؛ اما سؤال این است که بالاخره باید چه کرد؟ طبیعتاً اگر بخواهیم ارزش پول ملی را در ارتباط با تکان‌های بیرونی حفظ کنیم، باید رابطه بین ارزش پول ملی و ارزش‌های بیرونی را مدیریت کنیم. بدون شک بازگشت دیر هنگام ارز صادرکنندگان به کشور یا حتی تخلف آشکار در عدم واریز ارز به سامانه نیما، چرخه اقتصاد و تولید کشور در سال جاری، در کنار قاچاق ارز و عملیات روانی رسانه‌های دشمن نقش بسیار مهمی در افزایش افسارگسیخته نرخ ارز طی یک سال اخیر داشته‌اند. یکی از عوامل مهم و اثرگذار دیگر در آثار توری که سبب کاهش ارزش پول ملی می‌شود، حجم نقدینگی در اقتصاد کشور است، به نحوی که اگر سیاست‌های بانک مرکزی در راستای کنترل حجم نقدینگی نباشد، این موضوع عامل مخربی در رشد فرآیند نرخ تورم در اقتصاد و به تبع آن آثار ناشی از افزایش نرخ تورم در اقتصاد منجر به کاهش ارزش پول ملی می‌شود. بنابراین یکی از اساسی‌ترین عوامل در این بخش مدیریت نقدینگی در جامعه است که نقش بانک مرکزی و عملکرد آن به منزله متولی اصلی سیاست‌های پولی کشور بسیار حائز اهمیت است. منشأ بخش قابل توجهی از تورم موجود در کشور را می‌توان در تناسب نداشتن افزایش نقدینگی با رشد تولید، استقرار دولت از بانک مرکزی و اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی و بالا بودن نرخ سود سپرده بانکی در کشور دانست؛ موضوعاتی که هر یک به نحوی به افزایش نقدینگی در جامعه دامن می‌زنند.

میلاد شکر

خبرنگار



به نظر تان مهم‌ترین نکته‌ای که در طرح اعلامی مجلس وجود دارد، چیست؟

نکته اساسی که در اعلام طرح تأمین معیشتی از سوی مجلس شورای اسلامی باید به آن توجه می‌شود، این است که وقتی مجلس بحث مهمی مانند حمایت از اقشار خاصی از جامعه را مطرح می‌کند، پیش از مطرح کردن آن باید همه جوانب را، از جمله نحوه تأمین مالی طرح حمایتی و سایر چالش‌های مترتب بر آن را مورد توجه قرار دهد. در واقع، اگر تمام جزئیات و ابعاد یک طرح کارشناسی شده و در خور تأمل و قابل اجرا باشد، آن زمان مجلسی‌ها می‌توانند خبر را در سطح جامعه انتشار دهند و بعد از این مرحله، فعالیت رسانه‌ای بر روی این موضوع صورت بگیرد. به هر حال، وقتی مجلس خبرها و طرح‌های ناپخته‌ای را گزارش می‌کند، مردم این گونه گمان می‌کنند یا حداقل چنین ذهنیتی در مردم ایجاد می‌شود که سیاست‌گذاران و مسئولان متوجه شرایط زندگی مردم نیستند که به لحاظ اقتصادی و معیشتی چه میزان تحت فشار هستند. لذا بدون اینکه به عوارض حاصل از شرایط جدید فکر کنند، طرحی پیشنهاد می‌کنند که حتی خودشان هم بسیاری از ابعاد آن را نمی‌دانند یا اصلاً نمی‌دانند که قرار است این طرح چگونه عملیاتی شود. از این رو بهتر است هر طرحی به ویژه طرح‌هایی که با اقتصاد و معیشت مردم سر و کار دارند، قبل از اینکه روی آنها در سطح رسانه‌ها مانور داده شود، سیاست‌گذاران اعم از مجلسی‌ها و دولت‌مدان تمام ابعاد آن را با هم بررسی و حل و فصل کنند، یعنی ابهامات طرح را برطرف کنند؛ چرا که طرح‌های مبهم که هنوز جزئیات و ابعاد آن مشخص نیست، نباید رسانه‌ای شوند.

نکته اینجاست که هم مجلس و هم دولت، خواهان حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند؛ اما هر یک ممکن است شیوه‌های خود را مطرح کنند. به نظر تان واکنش افکار عمومی به این مسائل چیست؟

به هر حال عده‌ای از نمایندگان این گونه توجیه می‌کنند که هدف مساجراتی طرح حمایتی از دهک‌های ضعیف جامعه است. درست است، نیت آنها خیر است؛ اما دیدیم که شورای نگهبان بار اول این طرح را رد کرد؛ چرا که محل تأمین منابع اجرای این طرح به صورت درست معرفی نشده بود. از طرفی دولت هم مدعی است، مایل به اجرای طرح حمایتی از دهک‌های پایین درآمدی است؛ اما چون مجلس راهکاری برای تأمین منابع مالی اجرای چنین طرحی ندارد پس دولت امکان اجرای این طرح وسیع (۶۰ میلیون نفر را شامل می‌شود) را ندارد.

در حقیقت، مسئله از این نظر حائز اهمیت است که موضوعاتی چون حمایت از مردم در متن جامعه بر عهده حاکمیت گذاشته می‌شود، بنابراین برای مردم فرقی نمی‌کند مجلس، دولت یا شورای نگهبان پای کار هستند، وقتی طرح منسجم و کارشناسی نشده باشد مردم احساس می‌کنند حاکمیت برنامه‌ریزی و انسجام لازم را برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه ندارد و هنوز بین خود به یک نقطه قابل اتکا نرسیده است؛ چون حاکمیت از واقعیت اقتصادی جامعه و شیوه حمایت از مردم درک درست ندارد. لذا مجلس و دولت موظفند برای اجرای چنین طرح‌هایی به این نکات توجه کرده و همه جوانب کار در هر طرح

حمایتی که توده عظیمی از مردم را هدف قرار می‌دهد، به صورت کارشناسی بررسی شود، ضمن اینکه نحوه تأمین منابع و سازوکارهای اجرای آن نیز به درستی بررسی شود و بعد از طی این مراحل طرح به عموم مردم اطلاع‌رسانی شود و مردم درگیر آن شوند. در غیر این صورت حتی اگر نیت خیر باشد که هست و حتی اگر به حمایت هم ختم شود، چالش‌های اولیه آن مانع خواهد شد که مردم طعم شیرین آن را احساس کنند.

نحوه تأمین منابع مالی اجرای این طرح، شاید بزرگ‌ترین چالش مطرح شده باشد. نظر شما در این باره چیست؟

نکته مهم تأمین منابع مالی برای اجرای طرح حمایت از اقشار ضعیف جامعه است. این موضوع بسیار حائز اهمیت است، چرا که نباید برای درست کردن ابرو چشم را کور کنیم. به این ترتیب، اولین قدم چاره‌اندیشی معقول و اقتصادی برای تأمین منابع مالی طرح حمایتی مجلس است، به این موضوعات باید توجه شود که برای اجرای طرح، منابع مورد نیاز چقدر است؟ از کجا و چگونه باید تأمین شود؟ اینکه نمایندگان مجلس بگویند ما کاری به نحوه تأمین منابع نداریم و باید از جایی تأمین شود، قطعاً روش درستی نیست. وقتی با این مدل با طرح‌های حمایتی معیشتی برخورد می‌شود، اجرای آن در نهایت سبب افزایش پایه پولی می‌شود؛ یعنی به اسم حمایت از معیشت مردم یک جریان توری در جامعه ایجاد کرده‌ایم که نه تنها حمایتی از معیشت مردم نکرده؛ بلکه اثرات حمایتی را در حد وسیع‌تری تخریب و خنثی

کرده و موجب افزایش تورم در جامعه شده است. موضوعی که چه بسا وضعیت اقتصادی مردم را بدتر از قبل می‌کند. برای نمونه، با واریز ۱۰۰ هزار تومان به جیب خانوار، ۲۰۰ هزار تومان تورم به وی تحمیل می‌شود؛ یعنی وضعیت فرد نه تنها بهتر نشده، بلکه بدتر می‌شود. بنابراین اگر ۱۰۰ هزار تومان به درآمد اضافه کردیم، اما ۲۰۰ هزار تومان قدرت خرید مردم کم شد، نه تنها حمایتی به عمل نیامده؛ بلکه ضد حمایت هم اتفاق افتاده است. این موضوع هم به تصمیمات مدیرانی وابسته است که شاید به دلیل نداشتن دانش اقتصادی از پیش‌بینی پیامدهای تصمیم و اینکه این تصمیم چگونه می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی به جای بگذارد، عاجزند. لذا توجه تصمیم‌گیرندگان به مباحث این چنینی بسیار ضروری است و آثار منفعت خالص خود را به صورت مثبت برای جامعه بجا خواهد گذاشت. به هر حال بهتر است تصمیم‌گیرندگان برای چنین مباحث مهمی دانش مربوطه را داشته باشند. مانند این است که شما از یک مهندس عمران بخواهید بیمار کرونی را درمان کند یا از یک پزشک بخواهید ساختمانی را طراحی کند. بنابراین داشتن تخصص سبب منفعت خالص می‌شود، پس این نکته هم درست است که همیشه در طرح‌های حمایتی باید دقت داشته باشیم چرا که یک طرح حمایتی ممکن است به شکل صوری عددی را به درآمد اقشار آسیب‌پذیر اضافه کند، ولی فی الواقع قدرت خرید آنها را کاهش دهد. این موضوع قطعاً مسئولیت شرعی و قانونی دارد، چرا که مسئولان حق ندارند تصمیمی اتخاذ کنند که هزینه‌های توری بیشتری به اسم حمایت، به مردم تحمیل می‌کند.

افزوده

نرخ بازگشت سرمایه

«ROR» یا نرخ بازگشت سرمایه، درصدی از سرمایه اولیه است که به صورت سود در دوره‌های مشخص عاید سرمایه‌گذار می‌شود. این نرخ را می‌توان بازگشت درصدی از مجموع اصل و فرع پرداختی‌ها در یک دوره مشخص دانست. این نرخ تفاوت معناداری با نرخ بهره داشته و برای زمانی است که سوددهی یک پروژه مدنظر باشد؛ اما نرخ بهره برای زمانی است که باقرض ربوی تحت یک نرخ مشخص و بازپرداخت آن مواجه باشیم؛ این نرخ بر خلاف نرخ بهره با ریسک همراه است. برای مفهوم «ROR»، نرخ بازگشت سرمایه داخلی یا «IRR» هم به کار می‌برند.



شاخص

سقوط ارزش جهانی دلار

به گزارش «بلومبرگ»، مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که احتمالاً توزیع واکسن کرونا در این کشور طی کمتر از سه هفته آغاز خواهد شد. این امر سبب شد تا ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران افزایش یافته و به سمت دارایی‌های با ریسک بیشتر و احتمالاً بازدهی بالاتر بروند و در نتیجه از دلار فاصله بگیرند. شاخص ارزش دلار در معاملات اخیر ۰/۲ درصد کاهش یافته و به کمترین میزان از آوریل سال ۲۰۱۸ تاکنون رسیده است. در بازارهای آسیایی دلار نیوزیلند، پوند انگلیس و کرون نروژ بیشترین رشد را در برابر دلار ثبت کردند.



منهای نفت

ثبات اقتصادی

نخستین چیزی که برای سرمایه‌گذاری در هر کشوری حائز اهمیت است ویران نیز از این قاعده مستثنی نیست، ثبات کلان اقتصادی است. کاهش تورم، کنترل نرخ ارز، ثبات مقررات، سازگاری و نبود ابهام در مقررات و تغییر نکردن آن در مدت زمان سرمایه‌گذاری از جمله این موارد است؛ سرمایه‌گذاری باید یک پنجره امن داشته باشد؛ یعنی برای هر سرمایه‌گذاری باید فرصتی داده شود تا در موضوع سرمایه‌گذاری به فازهای بعدی کار برسد پیش از آنکه قانون جدیدی در حوزه سرمایه‌گذاری او اعمال شود.



حیات جامعه در گروی تقواست

گفتاری از آیت‌الله محمدعلی ناصری

نتیجه و ثمره تقوا به فرد اختصاص ندارد؛ بلکه تقوا ضابطه‌ای است که سبب حیات جامعه و بقای حیات انسانیت نیز می‌شود. بعضی گمان می‌کنند تقوا محدودیت می‌آورد؛ ولی تقوا محدودیت نمی‌آورد، بلکه برای حیات بشر مصونیت ایجاد می‌کند؛ چون تقوا می‌گوید ظلم و خیانت نکن. اگر تقوا رعایت شود، اجتماع از همه پلیدی‌ها مصون می‌ماند. اگر حقوق اجتماع را رعایت نکنیم و آزاد به تمام معنا بشویم، دیگر حیات باقی نمی‌ماند و جامعه قدر و منزلتی پیدا نمی‌کند. رعایت حقوق اجتماع، همان تقواست. پس تقوا مخالف آزادی نیست و مانند نماز، روزه و خمس از فروعات مذهب نیست؛ بلکه تقوا حالتی است که سبب بقای حیات اجتماع هم می‌شود. همان‌گونه که رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی، ما را از تجاوز به حقوق دیگران باز می‌دارد و کسی نمی‌تواند بگوید پشت چراغ قرمز نمی‌ایستم،

چون محدودیت می‌آورد، تقوای اجتماعی هم مانند ایستادن در پشت چراغ قرمز است. انسان کفش می‌پوشد تا پایش محفوظ و سالم و تمیز بماند. با نمی‌تواند بگوید که چرا مرا محدود کردی؛ زیرا پوشاندن آن برای سلامت خودش و مصونیت از سرما و گرما و کتافات است. شرح مقدس که این همه به تقوا سفارش کرده، می‌خواهد مصونیت اجتماعی ایجاد کند، نه اینکه در صدد محدودیت مذهبی باشد. حضرت صادق (ع) درباره تقوا می‌فرماید: «التقویٰ اَنْ لَا یُقَدَّکَ حَیْثُ اَمَرَکَ وَلَا یرَاکَ حَیْثُ نَهَاکَ»؛ تقوا آن است که حضرت حق در جایی که دستور داده است، تو را ببیند و در آنجا که ناراحت می‌شود، تو را نبیند. به عبارت دیگر، واجبات و مستحبات را انجام بده و محرمات و مکروهات را ترک کن. حضرت صادق (ع) وارد مجلسی شدند، شخصی در خواست آب کرد و برایش شراب

آوردند. حضرت تا این وضع را دید، از جا برخاست و فرمود: مجلسی که معصیت خدا در آن بشود، جای من نیست و از مجلس بیرون آمدند. اعمال ائمه اطهار، باید سرمشق ما باشد. معصیت‌هایی که در مجالس می‌شود، تماشای حجاب‌های ظلمانی برای روح‌مان است و ما را لحظه به لحظه از خدا دور می‌کند. نباید در مجلسی که رضای حق در آن نیست، وارد شویم و باید این‌گونه مجالس را ترک کنیم. اگر عذابی در چنین مجالسی نازل شود، همه حاضران را در برمی‌گیرد. حتی فرموده‌اند: اگر در چنین مجالسی کسی در اتاقی دیگر نماز بخواند، نمازش باطل است. مانند در چنین مجالسی که محل فساد و لهو و لعب و ساز و آواز است، حرام است. هر لحظه که بیشتر بمانی، حجاب‌های ظلمانی بیشتر روحت را می‌گیرد و از خدا دورتر می‌شوی، حتی اگر در آن ذکر بگویی.



تفرقه عامل شکست!

ایمان معینی

کارشناس علوم اسلامی



خداوند در قرآن کریم درباره مبارزه، مذکره و مواجهه با دشمنان تذکراتی داده است که اگر به آن عمل کنیم، از آسیب‌ها و صدمات دشمنان دور می‌مانیم و در مسلمانان پیشرفت می‌کنیم. در این مورد ابتدا باید به دو نکته توجه کرد، اول آنکه باید بدانیم خداوند در قرآن وقتی می‌خواهد از دشمن و دشمنی برای مسلمانان بگوید، از لفظ «کفار» استفاده می‌کند. کفار کسانی هستند که دشمنند و قصد نابودی مسلمانان را دارند؛ یعنی دست به سلاح هستند یا برنامه‌های متعدد برای نابودی مسلمانان دارند. دوم آنکه در برخی آیات دشمنی را در رفتار و روش مثال می‌زنند، هر چند اهل کتاب یا حتی مسلمان باشند؛ برای نمونه تمارض و لید در ابلاغ پیام نوعی دشمنی است برای ایجاد اختلاف که خداوند در آیه ۶ سوره حجرات او را فاسق می‌خواند. همچنین در شأن نزول آیه ۱۰۰ سوره آل عمران که می‌فرماید: «ای ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقا من الذین اوتوا الکتاب یرؤکم بعد ایمانکم کافرین»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، که کارشان نفاق افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت است اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی‌گردانند، آمده است یکی از «یهودیان» به نام شاس بن قیس، وقتی صفا و صمیمیت مسلمانان مدینه به خصوص دو قبیله اوس و خزرج را دید، بسیار ناراحت شد و با خود گفت: «ایسن دو قبیله روزگاری با هم جنگ می‌کردند، ولی حالا در سایه رهبری و مدیریت محمد (ص) در کنار هم با صلح و صفا زندگی می‌کنند، اگر این وضع ادامه داشته باشد، کیان یهود در خطر است...» او برای ایجاد اختلاف اقداماتی انجام داد که داستان در کتب تفسیری آمده است. نکاتی که در این آیه وجود دارد، تذکری است برای مسلمانانی که گاهی تمایل پیدا می‌کنند به دشمنانی که قصد نابودی‌شان را در سر می‌پرورانند. نکته دیگر آنکه در آیه بعد، یعنی آیه ۱۰۱ سوره آل عمران راه درست را برای موفقیت نشان می‌دهد و می‌فرماید: «... و هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست هدایت شده است». تمسک جستن، یعنی چنگ زدن و محکم گرفتن عامل نجات؛ به عبارتی کسی که می‌خواهد جامعه مسلمانی را به رشد برساند، لزوماً باید در پناه خداوند قرار بگیرد و به هیچ جهتی جز جهت تعیین شده از جانب خدا توجه نکند؛ به ویژه امید بستن به دشمنان و معارضان. در آیه ۱۰۲ آل عمران نیز خداوند توصیه‌ای از سر صحبت برای مسلمانان دارد و از آنها می‌خواهد که مراقب دین خود باشند و عاقبت خود را با افتادن در دام دشمن ختم به شتر نکنند. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنچنان که خداوند شایسته ترس است از او بترسید و جز در مسلمانان نیرید»؛ این توصیه خداوند در آیه بعد ادامه پیدا می‌کند که مسلمانان را به «یادآوری» الطاف خداوند در ایجاد دوستی و دوری کردن از خطر و آتش دستور می‌دهد و عامل گرفتاری در دام دشمن را نبود اتحاد ذکر می‌فرماید. پس آنچه باعث می‌شود مسلمانان از رشد و پیشرفت باز بمانند، تفرقه است؛ تفرقه‌ای که سبب می‌شود عده‌ای به سمت دشمنان تمایل پیدا کنند، تمایلی که نابودکننده است.

مقاومت حاصل جمع عقل و خشم

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اگر خصلت‌ها از یکدیگر متمایز و جدا شوند، هر آینه راستی با شجاعت باشد و بزدلی با دروغ!» (عیون الحکم، ص ۴۱۷) امیرمؤمنان علی (ع) در توصیف قدرت راستگویی و شجاعت می‌فرماید: «شمشیر برنده در دست شجاع برای او دشمن شکن‌تر از راستگویی نیست»؛ (شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) ج ۲۰، ص ۲۹۶)

آیا می‌شود که به خشم و در پی آن به شجاعت نیاز پیدا نکنیم؟ آری تنها در زمانی که عدالت بر جهان حکومت کند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «عدالت بهتر از شجاعت است، زیرا اگر مردم همگی عدالت را درباره یکدیگر به کار گیرند، از شجاعت بی‌نیاز می‌شوند.» (شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۳۳) شجاعت از صفات پیامبر (ص)، اهل بیت (ع) و پیامبران و اولیاء بوده و هست. اما شجاعت کامل شکل نمی‌گیرد، مگر در حالتی که انسان به خدا تکیه دارد و خود را در برابر قدرت و عظمتش هیچ می‌انگارد. ما در مکتب‌مان شجاعت را جزء خصلت‌های بلندمرتبه می‌دانیم.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «سخاوت و شجاعت خصلت‌های الایی هستند که خداوند سبحان آن دو را در وجود هر کس که دوستش داشته و او را آزموده باشد می‌گذارد.» (تصنیف غرر، ص ۳۷۵)

نمی‌کردند و در عین شجاعت فرمان خداوند را ابلاغ می‌کردند. حضرت موسی (ع) با همان زبان نرم و قول لین شجاع بود و محکم. شجاعت لوازم و مراتبی دارد. از لوازم شجاعت تقوا و علم را گفته‌اند و مراتب آن ایستادگی در مقابل دشمن درونی و بیرونی، دفاع از دین و حقیقت است. اگر مراتب و لوازم شجاعت شناخته نشود، گاهی دچار ترس می‌شویم و گاهی بی‌ترس، گاهی با ترس به خود و اهداف خود ضربه می‌زنیم و گاهی با بی‌باکی و بی‌ترسگی؛ انسان شجاع انسانی متفکر است و همانطور که امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند: «لا أشخّ من لیب»؛ شجاعت‌تر از خردمند، وجود ندارد. (عیون الحکم، ص ۵۳۳)

همچنین ایشان آفت شجاعت را کنار گذاشتن دوراندیشی می‌دانند؛ یعنی انسان شجاع تمام آثار مترتب بر عملش را در نظر می‌گیرد؛ زیرا مسئولیت‌پذیری هم یکی از صفات انسان شجاع است، فردی که خود را دارای قدرت روحی و علمی کافی می‌بیند، اولاً تصمیمات درستی می‌گیرد و ثانیاً اگر اشتباه کرد از پاسخگویی و جبران اشتباهش شانه خالی نمی‌کند. پس لزومی نمی‌بیند که با دروغگویی و فراقکنی کار خود را توجیه کند و از عقاب و رسوایی در امان بماند.

انسانی که می‌خواهد شجاع باشد، نباید از راستگویی و حق‌طلبی فاصله بگیرد، زیرا این دو با یکدیگر در یک جا جمع نمی‌شوند.

شجاع را کسی می‌دانند که در عین قدرتمندی جسمی، روحی، انگیزه‌ای و قوت دل، خشم خود را با نیروی عقل مهار می‌کند. به عبارتی شجاعت در انسان شجاع برخاسته از غضب و خشم اوست، منتها نه آن خشمی که کنترل نشود و با افراطگری خودش یا هدفش را نابود کند. البته این تعاریف قابل تغییر هم هست. اما این تعریف مورد قبول عموم لغت‌شناسان و عالمان دین قرار گرفته است. اینکه عشق چیست و رابطه‌اش با عقل به چه نحو است، مورد اختلاف است. برخی عشق و عقل را جدا دانسته‌اند و برخی یکی می‌دانند.

با این نگاه عقل را همان عشق معتدل می‌دانیم، زیرا عشق حقیقی بدون عقل شکل نمی‌گیرد. عقل به خاطر وجود عشق استدلال کرده و به حرکت وادار می‌کند. خداوند در قرآن به موسی (ع) دستور می‌دهد که با دشمنی مانند فرعون با زبانی نرم برخورد کند و از آن طرف صفت رسول خدا (ص) را شنیدید با دشمنان و مهربان با دوستان معرفی می‌کند. این ترغیب و آن تحسین هر کدام در جایگاه خود درست است. اینکه در جایگاه دعوت به سوی خدا باشیم یا در میدان جنگ، رفتارهای متفاوتی را می‌طلبد.

اما تمام پیامبران همانند رسول خدا (ص) در برابر دشمنان قوی و شدید بودند و در کنار دوستان مهربان و باعاطفه؛ به عبارتی پیامبران برای دعوت به سمت دین واداده و سست عمل

سیدحسین خامی خوانساری

دبیر گروه معارف

امروز که سخن درباره ایستادگی در برابر دشمن بسیار به گوش می‌رسد، باید با تکیه بر معارف دینی و اخلاقی راه خود را پیدا کنیم و با تجهیز خودمان به علوم الهی در برابر دشمن حاضر شویم؛ زیرا هنگامی که دین را شناسیم، دچار افراط و تفریط شده و شکست می‌خوریم. یکی از گزاره‌هایی که باید آن را بشناسیم و به کار بگیریم، عنصر «شجاعت» است.

پرسش‌ها و پاسخ‌های زیادی حول این محور وجود دارد؛ اینکه شجاعت به چه معناست؟ در چه زمان و مکانی به کار می‌رود؟ طریقه استفاده از آن چگونه است؟ آیا شجاعت و رحمت با یکدیگر تناقض دارند؟ چه زمان می‌شود هم در مقابل دشمن شجاع بود و هم او را جذب کرد؟ اصلاً آیا می‌شود در عین شجاعت با دشمن نرم‌خویی داشت؟ توصیه‌های مهم قرآنی و روایی در رابطه با دوست و دشمن بسیار زیاد است که باید آن را فرابگیریم؛ اما شجاعت چیست؟

معنای شجاعت را «استقامت و اعتدال در قوه غضبیه» دانسته‌اند؛ یعنی انسان با اتکا به عقل از گرفتار شدن در افراط‌بی‌باکی و بی‌ترسگی و تفریط‌ترس مصون باشد. (تهذیب‌الاخلاق، ج ۱، ص ۱۲۰) یعنی انسان

خطر اسلام سکولار

رئیس بسیج اساتید حوزه علمیه گفت: «یکی از تلاش‌های ما اتصال و پیوند دادن ظرفیت علمی اساتید حوزه با مسائل روز کشور است. باید بدانیم که خطر اسلام لیبرال و سکولار به مراتب از خطر دشمنان بیشتر است.» حجت‌الاسلام نبوی گفت: «حوزه انقلابی نگاه سکولار به دین ندارد؛ نگاه سکولار سبب می‌شود تا برخی مدعی شوند که ما اقتصاد اسلامی و مدیریت و سیاست اسلامی نداریم، معنای این حرف آن است که در خانه بنشینید و عبادت کنید و کاری به مسائل جامعه نداشته باشید.»



تخریب جایز نیست!

پرسش: تحلیلی که به نحوی ترویج گفتمان دشمنان باشد یا قدرت تفکر شنونده را بگیرد، چه حکمی دارد؟ پاسخ: تحلیلی که گفتمان و فرهنگ و هدفی را ترویج کند که دشمن با به‌باران تبلیغاتی خود دنبال می‌کند یا موجب شود قدرت تفکر مردم گرفته شده و راه تصمیم‌گیری صحیح مسدود شود و تحلیلگر طوری موضوعات را بیان کند که اگر نقطه قوتی وجود داشته باشد، آن را نادیده گرفته و حتی سعی کند آن را ناچیز و شاید نقطه ضعف نشان دهد، این گفتمان نوعی تخریب و مجاز نیست.

برگرفته از کتاب احکام هدایت سیاسی براساس فتاوی رهبر معظم انقلاب



نماز اول وقت

آیت‌الله حجت‌شناس (ره) می‌فرماید: شیطان دائماً مراقب شماست؛ ولی به کسانی که نمازشان را در اول وقت می‌خوانند، کمتر نزدیک می‌شود. شیطان می‌فهمد که چه کسی در مقام مراقبه است و همین که ببیند از حالت مراقبه خارج شد، به او نزدیک می‌شود. شیطان می‌فهمد که چه کسانی در مقام مراقبه هستند و چه کسانی از یاد خدا روی برگردانند.

برگرفته از کتاب ملک ناملکوت صفحہ ۲۵۳



تقویم انقلاب

شهدای سرچشمه

سید مهدی حسینی
مورخ و پژوهشگر



روز دهم آذر ماه سال ۱۳۵۷

برابر با اول محرم سال ۱۳۹۸

روند تحولات انقلاب اسلامی به شکل جدیدی رقم خورد و رژیم استبدادی و دولت نظامی از هزاری را بیش از پیش متزلزل و رسوا کرد. مبارزان و انقلابیون با الهام از رهنمودها و پیام امام در ۲۱ ذی الحجه موفق به طراحی و برنامه‌ریزی جدیدی شده بودند که براساس آن قرار بود با یک هماهنگی از ساعت ۲۱ بر بالای پشت بام‌ها بانگ مقدس «الله اکبر» و «لا اله الا الله» سر دهند. برای اولین بار در دل شب اول ماه محرم این اتفاق رقم خورد که در تاریخ مبارزات سیاسی جهان سابقه نداشت و مأموران نظامی و امنیتی رژیم را گیج و فلج کرد. در واقع، با وجود حکومت نظامی و با حضور نیروهای مسلح گارد شاهنشاهی و در شرایط منع رفت و آمد، این اقدام ابتکاری انجام شد.

پس از بلند شدن فریادها و شلیک تیرها جمعی از مساجد و خانه‌ها بیرون آمدند و با نیروهای پلیس و گاردی‌ها درگیر شدند و در چهار راه سرچشمه تهران تعدادی از مردم به شهادت رسیدند که به نام شهدای «سرچشمه» معروف شدند.

این رویداد در آثار منتشر شده کمتر دیده می‌شود؛ اکبر خلیلی نویسنده کتاب «گام به گام با انقلاب» که خودش از شاهدان عینی ماجرا بوده، در پاورقی صفحه ۱۳۸ آورده است: «روز اول محرم، در سرچشمه با جوانانی روبه‌رو شدم که در شجاعت بی نظیر بودند، برای یک لحظه فکر کردم انسان نمی‌تواند چنین شجاع باشد یا حداقل من شجاعت آن همه از خودگذشتگی را نداشتم. سربازان گارد بعد از محاصره این شیران خشمگین، همه را به رگبار گلوله بستند و زیبا بود که یک نفر راننده اتوبوس دو طبقه، از جان خود می‌گذرد و اتوبوس را طوری سبقر قرار می‌دهد تا مسلسل‌های دشمن، عزیزان اسلام را درون کند و سرانجام گلوله یک دژ خیم به او اصابت می‌کند و آن راننده غیور را به درجه رفیع شهادت می‌رساند. این طور که شاهدان عینی دیدند مغز متلاشی شده او در پیاده‌روهای سرچشمه به چشم می‌خورد...»

این شیوه مبارزه نیروهای دولت نظامی را عاجز کرده بود؛ زیرا حربه حکومت نظامی و به رخ کشیدن قوه قهریه رژیم را بی‌خاصیت کرده و علاوه بر آن ناکارآمدی دولت نظامی را به رسوایی کشاند.

روز بعد از حادثه کشتار سرچشمه ارتشبد از هاری، نخست‌وزیر دولت نظامی رژیم شاه در مجلس ملی وقت حاضر شد و در نطقی عاجزانه گزارش داد که صدای الله اکبر و شلیک تیر همه روی نوار کاست ضبط شده و در پشت بام‌ها، و از طریق بلندگو پخش شده است و عده‌ای هم جوهر قرمز را در جوی آب ریخته‌اند و بعد هیاهو کرده‌اند که جوی خون راه افتاده است! جواب این حرف‌های ارتشبد را مردم در راهپیمایی روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی با این شعار دادند: «از هاری گوساله باز هم بگو نواره، نوار که پا ندارد، ای سگ چهار ستاره».

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

با فرو ریختن کنگره‌های قصر ۲۵۰۰ ساله حکومت طاغوت در سپیده‌دم ۱۲ فروردین ماه سال ۱۳۵۸، گام بعدی تحقق حکومت‌الله و ایجاد ثبات و امنیت در کشور مشخص شدن قانون اساسی بود. نظر حضرت امام(ره) این بود که مجلس خبرگان قانون اساسی هرچه زودتر شکل گرفته و اصول قانون اساسی مورد نقد و بررسی و تصویب نهایی قرار گیرد. شورای انقلاب قانون انتخابات مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی را در چهاردهم تیر ماه تصویب کرد و مجلس خبرگان بعد از برگزاری انتخابات در دوازدهم مرداد سال ۱۳۵۸ شروع به کار کرد. ضدانقلاب از همان ابتدا شروع به ایجاد توطئه و شبهه‌افکنی و تضعیف مجلس خبرگان کردند؛ ابتدا طرح پیش‌نویس قانون اساسی را زودرس خواندند، آنگاه که دیدند امام بر تهیه پیش‌نویس و تشکیل مجلس خبرگان پای می‌فشارند، تلاش کردند تا مجلس خبرگان به هر نحوی شکل نگیرد. در این راستا خواهان تشکیل «مجلس مؤسسان» شدند و مشروعیت قانون را منوط به شکل‌گیری چنین مجلسی دانستند و بعد از پیام حضرت امام(ره) که فرمودند: «ما می‌گوییم زود کلک قضیه کنده شود و اسلامی بشود و الان همه باید دنبال همان معنا باشیم و همین طرح را که دولت گفته است، صحیح است» (۱۳۵۸/۳/۲۸) بر آن شدند تا صندلی‌های بیشتری را در مجلس کسب کنند که این امر نیز محقق نشد و شایعه تقلب در انتخابات را مطرح کردند تا این نیز بی‌حاصل ماند. برخلاف میل ضدانقلاب، مجلس خبرگان در تاریخ مشخص شده شروع به کار کرد و بررسی پیش‌نویس آغاز شد. پیش‌نویس تنظیمی نقاط ضعف و کاستی‌های فراوانی داشت که از چشم تیزبین نیروهای خط امام به دور نماند؛ ولی مخالفان باز هم بهانه‌تراشی کرده، خواهان تصویب پیش‌نویس بودند که سخنان حضرت امام(ره) راه را برای اصلاح انقلابی قانون اساسی و ناکام گذاشتن ضدانقلاب فراهم کرد: «این قانون پیش‌نویس است، پیش‌نویس هیچ چیز نیست، باید رای بدهید، باید نظر بدهید و مهم این است که خبرگان باید خبرگان اسلامی، امین، مسلمان (باشد) و متوجه غرب و شرق، تحت تأثیر غربی و شرقی نباشند، تحت تأثیر مکتب‌های انحرافی نباشند.» (۱۳۵۸/۵/۱) در این شرایط احزاب

نگهبان مکتب

مناقشه پیش‌نویس قانون اساسی و پیش‌نویس پیشنهادی سازمان مجاهدین انقلاب



و گروه‌های سیاسی انقلابی نسبت به پیش‌نویس واکنش نشان داده و برخی حتی پیش‌نویس‌های پیشنهادی خود را مطرح کردند؛ از جمله آنان می‌توان به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اشاره کرد که در ائتلافی میان هفت گروه مبارز انقلابی شکل گرفته و در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ اعلام آمادگی کرده بود. سازمان با صدور بیانیه شماره ۱۴ در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۰ پیش‌نویس قانون اساسی را نقد و متن پیشنهادی خود را منتشر کرد. متن فوق حاوی محتوای جالب و قابل تأملی است که فضای گفتگویی آن روزهای نیروهای انقلاب و توده‌های ملت را نشان می‌دهد. نکته برجسته پررنگ بودن حاکمیت شریعت اسلامی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی و پیشنهاد شکل‌گیری قوه‌ای به نام «قوه نگهبانی» است. در فرازهایی از مقدمه این نوشتار آمده است: «پیش‌نویس ارائه شده قانون اساسی، بیش از آنکه بیانگر خواست واقعی و اراده حقیقی ملت مسلمان ایران باشد، نمایشگر نوعی روابط حقوقی بر پایه سیستم قوانین غربی است و لذا قبل از اینکه اثبات‌کننده اصول حکومت اسلامی باشد، بیان‌کننده شکلی از یک جمهوری غربی با گرایشات اسلامی است... با کمال تأسف علی‌رغم اینکه اسلام به عنوان یک مکتب انسان‌ساز حضور روشن خود را در صحنه تحولات اجتماعی بارها و بارها به اثبات رسانده است، هنوز سیستم قوانین غربی چشم‌ها و دل‌های برخی روشنفکران ما را از درک حقیقت بازداشته است، حال آنکه سیستم مذکور راه‌حلی است برای جوامعی که از داشتن یک زیربنای فکری اصیل همه‌جانبه که براساس آن قوانین اجتماعی خویش را پایه‌ریزی کنند، محروم مانده‌اند. حکومت اکثریت،

مربوط به دوران حاکمیت تشست بر افکار و عقاید است و لذا داروی درد ملی است که از نوعی مکتب و ایدئولوژی منسجم و مسنولیت‌آفرین که اراده ملت به آن استناد گردد برخوردار نیستند. حال آنکه ملت ما به یمن پیروی از اسلام راستین دارای مکتبی است که علاوه بر آنکه یگانه‌عامل پیروزی او در انقلاب عظیمش بود از قوانین و حدود و حقوقی برخوردار است که از پس پاسخگویی به تمامی مشکلات و نیازهایش بر خواهد آمد. حکومت اسلامی در زمان غیبت امام(ع) بر ولایت و زعامت فقیه جامع‌الشرایط استوار است و در غیر این صورت، حکومت اسلامی نخواهد بود، حال آنکه در اکثر اصول مربوط به ریاست‌جمهوری خط بطلان بر این اصل اساسی و مسلم شیعی کشیده شده است، مگر اینکه رئیس‌جمهور همان فقیه جامع‌الشرایط باشد، که در پیش‌نویس ذکر می‌شود مسئله به میان نیامده است.» سپس با ارائه پیش‌نویسی جدید در ۱۱ فصل، ۱۶۶ اصل ارائه می‌کند که برخی از اصول مهم آن به شرح زیر است:

«**اصل ۲-** نظام جمهوری اسلامی حکومت‌الله و حدود آن حدودی است که خداوند به وسیله قوانین اسلام مشخص نموده است، این قوانین متخذ از قوانین اصیل اسلامی به تشخیص علم مجتهدین جامع‌الشرایط و یا به تشخیص قوه نگهبان می‌باشد. اصل ۱۶- قوه نگهبانی مسئول نظارت مستقیم بر کیفیت اجرای قوانین و تمامی مصوبات مجلس ریاست‌جمهوری بوده و مسئول رسمی استقلال فرهنگ و ارتباط قوانین با مکتب اسلام می‌باشد. تبصره: هنگامی که ریاست‌جمهوری، فقیه جامع‌الشرایط نباشد، تصویب تمام مصوبات به

عده‌قوه نگهبانی است.

اصل ۷۶- رئیس‌جمهور بایستی مرد، مسلمان و دارای مذهب رسمی کشور و مجتهد جامع‌الشرایط الفتوی یعنی اتقی بوده و اعلم مردم در فقه اسلامی باشد، رعایت تکالیف شرعیه را نموده و عادل باشد، معتقد و ملزم به ولایت بوده و در اداره مملکت کفایت داشته باشد. همچنین سوسابقه سوء اجتماعی و سیاسی نداشته باشد.

اصل ۷۹- (تبصره) در صورتی که رئیس‌جمهور طبق اصل ۷۶ فقیه جامع‌الشرایط باشد، وی «ولی مسلمین» است و در غیر این صورت ریاست قوه نگهبانی «ولی مسلمین» می‌باشد.

اصل ۱۱۹- پاسداری و حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه با ضدانقلاب یا هرگونه توطئه علیه اسلام و قوانین اسلام در داخل کشور به عهده سپاه پاسداران می‌باشد.

اصل ۱۴۴- قوه نگهبانی حافظ آزادی و نگهبان اصول مکتب اسلام و مذهب رسمی کشور قانون اساسی و ناظر بر تداوم اجرای قوانین و احکام اسلام در کلیه سطوح اجرایی مملکت و انطباق آنها با اوضاع روز جهانی و مصالح مکتبی و مسئول استقلال فرهنگ و انسجام اعتقاد ملت ایران شناخته می‌شود.

اصل ۱۴۵- قوه نگهبانی از پنج نفر از علما و دانشمندان و فقهای اسلامی که در کارهای خود با گروهی به نام گروه متخصصین مشورت می‌نمایند، تشکیل شده است.

اصل ۱۴۶- حوزه‌های علمیه بر طبق ضوابط داخلی خود، حداکثر ۱۲ نفر و حداقل ۶ نفر از فقها و مجتهدین (در صورت امکان مجتهد جامع‌الشرایط) که از بالاترین سطوح علمی و فقهی و اجتهادی و تقوایی حوزه می‌باشند به ملت معرفی کرده و ملت به شش نفر از آنان رأی اعتماد می‌دهند.

اصل ۱۵۳- وزارت امر به معروف و نهی از منکر با رعایت کامل حدود قوانین مربوطه بر تمام دوابر و ارگان‌های مملکتی نظارت کرده و گزارشات خود را به قوه نگهبان ارائه داده و تحت نظر این قوه بر طبق قانون عمل می‌نماید.

اصل ۱۶۰- قوه نگهبان مکتب تا زمانی که خطا یا تملدی از حدود مکتب اسلام و یا لغو قانونی از طرف رئیس‌جمهور و قوای سه‌گانه ندیده باشند، حق هیچ‌گونه تصمیم‌گیری فردی یا جمعی یا اعمال قدرت را در هیچ‌کدام از سطوح مملکتی نداشته و فقط نظر مشورتی و ارشادی دارند.»

دهلیز

جمهوری انگلیسی

شهید مدرس و مقابله با ترفند جمهوری خواهی رضاخان

رضاخانی ختم می‌شد. حسین مکی، نماینده مجلس در دوران پهلوی در کتاب «تاریخ بیست ساله ایران» به نقش شهید مدرس در مقابله با رضاخان پرداخته است. او در کتابش از زبان شهید مدرس نقل می‌کند:

«من با جمهوری واقعی مخالف نیستم و حکومت صدر اسلام هم تقریباً و بلکه تحقیقاً حکومت جمهوری بوده است. ولی این جمهوری که می‌خواهند به وسیله رضاخان به ما تحمیل کنند، بنابر اراده ملت ایران نیست. بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل نمایند و حکومتی را که صدرصد دست نشانده و تحت اراده خود باشد در ایران برقرار سازند و از همه مهم‌تر به واسطه مخالفت احمدشاه با قرارداد ۱۹۱۹ و توق‌الدوله و خواسته‌های انگلیسی، می‌خواهند از او انتقام بگیرند. اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری فردی آزادیخواه و ملی بود حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ نوع کمک و مساعدتی به او دریغ نمی‌نمودم.»



حافظه

فقط ۳۰۰ رأی بیشتر

انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا



در انتخابات سال ۱۹۴۸، «هری ترومن» رئیس‌جمهور وقت، به دنبال تمدید حضور خود در کاخ سفید بود. او معاون «فرانکلین روزولت» بود و سه سال پیش از آن، پس از درگذشت روزولت، جای او را به عنوان رئیس‌جمهور گرفته بود. اما دموکرات‌ها امید به پیروزی در انتخابات نداشتند. رقیب جمهوریخواه ترومن، «توماس دیویی» شهردار وقت نیویورک، در همه نظرسنجی‌ها پیش بود. در حالی که به نظر می‌رسید ترومن شانس کمی برای انتخاب شدن دارد، روزنامه «شیکاگو تریبون» وقتی هنوز همه آرا شمرده نشده بودند، خبر پیروزی دیویی را چاپ کرد و تیتر زد: «دیویی، ترومن را شکست داد»، اما خیلی زود مشخص شد که ترومن به پیروزی غیرمنتظره‌ای دست خواهد یافت. تریبون تیتر چاپ‌های بعدی را تصحیح کرد. دو روز بعد، ترومن که در طول کارزار انتخاباتی به شدت هدف انتقادهای «شیکاگو تریبون» بود، پیروزی خود را با نشان دادن نسخه اولیه همان شماره روزنامه جشن گرفت.

یکی دیگر از نزدیک‌ترین رقابت‌ها در تاریخ انتخابات آمریکا در سال ۲۰۰۰ بود که جرج بوش پسر بر رقیب خود آل گور از حزب دموکرات پیروز شد. در حالی که فقط چند ایالت نتایج را اعلام کرده بودند، بوش ۲۴۶ رأی کالج الکترال را به دست آورده بود و آل گور ۲۵۰ رأی و هر دو منتظر نتایج ایالت فلوریدا بودند که ۲۵ رأی الکترال داشت. ابتدا شبکه‌های خبری و رسانه‌ها با توجه به نظرسنجی از کسانی که رأی داده بودند، آل گور

را برنده انتخابات فلوریدا اعلام کردند، اما وقتی شمارش آرا شروع شد، ناچار شدند تجدیدنظر کنند. چند ساعت بعد آل گور تلفنی به جرج بوش تبریک گفت و شکست را پذیرفت؛ اما کمی بعد که معلوم شد رأی فلوریدا نزدیک‌تر از آن است که برنده معلوم باشد، تبریکش را پس گرفت. در بازشماری آرا، بیه نظر رسید بوش فقط حدود ۳۰۰ رأی بیشتر آورده باشد. این موضوع سبب شد هر دو طرف به اقدام حقوقی روی بیاورند، ال گور برای بازشماری مجدد و بوش برای ممانعت از آن و معرفی شدن به عنوان برنده انتخابات. پس از حدود یک ماه کشمکش حقوقی، بوش پیروز ایالت فلوریدا اعلام و آل گور تسلیم شد. ۲۶۶ رأی کالج الکترال به آل گور در آن دوره، بیشترین رأی برای نامزدی است که برنده انتخابات نشده است. کارشناسان هنوز تردید دارند که در بازشماری کامل دستی‌آرای فلوریدا چه کسی برنده می‌شود؛ اما پیروزی بوش آغاز دو دوره ریاست‌جمهوری او بود.

خاستگاه اندیشه و راهبرد مقاومت

با مقاومت چگونه می‌توان چالش‌ها و مشکلات موجود را حل کرد؟



مصطفی قربانی
کارشناس سیاسی

وقتی آمریکا در دوره اوپاما به اعمال تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران روی آورد، تصور نمی‌کرد که مقاومت ملت ایران، راهبرد فشار و مهار آنها را که در قالب تحریم اجرایی شد، عقیم بگذارد. در همین چارچوب به ویژه زمانی که دولت اوپاما بانک مرکزی ایران را تحریم کرد، کارشناسان آمریکایی اعلام کردند که دولت ایران حداکثر تا شش ماه دیگر سقوط خواهد کرد. با این حال، نه تنها سقوطی اتفاق نیفتاد، بلکه در سایه مقاومت دولت و ملت ایران، ایسن اوپاما بود که با شکست تحریم‌های فلج‌کننده‌اش مجبور به نامه‌نگاری با رهبر معظم انقلاب به منظور آغاز مذاکرات مستقیم شد. در ادامه، با انعقاد برجام اگرچه اجرای تحریم‌های فلج‌کننده علیه ایران متوقف شد، اما با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، این تحریم‌ها در قالب فشار حداکثری مجدد اعمال و اجرایی شد. با این حال، اکنون که حدود سه سال از اجرایی شدن راهبرد فشار حداکثری ترامپ علیه کشورمان می‌گذرد، آنگونه که ترامپ تصور می‌کرد، ایرانی‌ها با او تماسی نگرفتند و تسلیم خواسته‌های وی و دولت متبوعش نشدند. این در حالی بود که باز آمریکا با تصور می‌کردند که با فشار حداکثری می‌توانند مقاومت ملت ایران را در هم بشکنند. در این زمینه، فاین پالیسی به تازگی در یادداشتی تحلیلی نوشته است، ایران در برابر «کارزار فشار حداکثری» دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مقاومت‌تر از آنچه اسرائیل (رژیم صهیونیستی) و کاخ سفید پیش‌بینی می‌کرده‌اند، عمل کرده است. باتوجه به آنچه گفته شد، باید اشاره کرد که اندیشه مقاومت یک اندیشه قدرت‌آفرین در صحنه‌های مختلف رویارویی با دشمنان بوده است که علاوه بر خنثی‌سازی تهاجم‌ها و توطئه‌های دشمنان، منجر به خلق دستاورد نیز شده است. در واقع، مقاومت را می‌توان مهم‌ترین گزاره در فرهنگ و تفکر راهبردی نظام جمهوری اسلامی دانست که بر مبنای آن، این نظام با وجود پیچیدگی‌های محیطی توانسته است به حیات خود ادامه دهد. براین اساس، سؤال این است که اندیشه و راهبرد مقاومت در ایران از کجا ریشه



گرفته است؟ آبخشورها و خاستگاه‌های مقاومت در ایران را باید در کجا جست‌وجو کرد؟ در پاسخ به این پرسش حداقل می‌توان به دو مورد مهم اشاره کرد: ۱- افق تمدنی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی از بدو پیروزی داعیه‌دار یک افق و راه نوبه روی بشریت بود، به گونه‌ای که در عصر جنگ سرد، بدون تأثیرپذیری از بلوک‌های شرق و غرب، راه نونبی پیش روی بشریت ترسیم کرد که به تعبیر «میشل فوکو» می‌توان آن را تجلی «معنویت‌گرایی سیاسی» دانست و در آن دو آرمان آزادی و عدالت، با مضامین درون‌مایه‌های اسلامی، در هم آمیخته شده بود. در ادامه و در سیر مراحل ایجاد، استقرار و تثبیت نظام نیز این انقلاب نشان داد، به پیگیری و کارآمدسازی راهی که ترسیم کرده پایبند است. براین اساس، این انقلاب و نظام برآمده از آن نه تنها در برابر توطئه‌ها و فشارهای داخلی و خارجی تسلیم نشده، بلکه با نسخه «جهاد کبیر» در برابر استکبار، تلاش کرده تا در هیچ حوزه‌ای به دشمن استکباری اتکا نکند

و ضمن حفظ فاصله با آن، بر مقاومت، خودباوری و درونی و درون‌زایی اتکا داشته باشد. بنابراین، در جمع‌بندی این بخش باید گفت، افق تمدنی انقلاب اسلامی به معنای تلاش برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و نه هضم شدن در هاضمه تمدن غرب، ایجاب می‌کند که در برابر فشارهای داخلی و خارجی، تسلیمی در کار نباشد و بر مقاومت به عنوان اندیشه و راهبردی تمدن‌ساز، مزیت‌آفرین و ترمیم‌گر قدرت توجه روزافزونی صورت گیرد. گفتنی است، دیدگاه‌هایی که تسلیم در برابر غرب و آمریکا را تجویز می‌کنند و برای آن نیز استدلال‌های معقولی ارائه می‌کنند؛ یا این افسق تمدنی را قبول ندارند یا از آن غافل هستند. ۲- واکنش به دخالت‌ها و اعمال نفوذ غربی‌ها در ایران: تاریخ تحولات معاصر و حتی ماقبل آن در ایران، آکنده از انواع و اقسام دخالت‌های غربی‌ها در ایران است؛ از تحمیل امتیازات تجاری به ایران، ناکام گذاشتن نهضت مشروطه، تقسیم ایران در

قرارداد ۱۹۰۷، سرنگونی قاجاریه و انجام کودتای سوم اسفند، روی کار آوردن و سرنگون کردن حکومت رضاشاه پهلوی، ایجاد فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ به دست شوروی‌ها و به رهبری پشهوری... تا سرنگون کردن دولت ملی و نهضت ملی کردن صنعت نفت با کودتای ۲۸ مرداد که منجر به روی کار آوردن دولتی دست‌نشانده در ایران شد و تا ۲۵ سال بعد بر تمام مقدرات ملی ما مسلط شدند و... با پیروزی انقلاب اسلامی اگرچه قطع نفوذ و دخالت غرب در ایران آغاز شد و به طور کامل پیش رفت، اما غربی‌ها در طول ۴۱ سال گذشته نیز همواره با همان الگوی رفتاری پیش از انقلاب با دولت و ملت ایران رفتار می‌کنند. برای نمونه، می‌توان به تلاش آمریکایی‌ها برای انجام کودتا در بهمن سال ۱۳۵۷ به رهبری ژنرال هایزر، تحریک صدام به حمله نظامی به ایران، حمایت از حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در داخل ایران، سرنگونی هوایمی مسافربری ایران، سنگ‌اندازی در مسیر دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای با کارهایی از قبیل ترور دانشمندان هسته‌ای، اعمال تحریم‌های فلج‌کننده و غیرانسانی علیه ملت ایران و... اشاره کرد. باتوجه به آنچه گفته شد، مقاومت را می‌توان واکنش طبیعی یک ملت زنده و عزت‌مدار در برابر فشارهای معطوف به تسلیم و ذلت دانست. نکته‌یابانی آنکه ممکن است گفته شود با مقاومت

چگونه می‌توان چالش‌ها و مشکلات موجود را حل کرد؟ در پاسخ باید گفت که اتفاقاً عمده چالش‌ها و مشکلات موجود به دلیل بی‌توجهی به اندیشه و راهبرد مقاومت حادث شده است؛ و گرنه در هر حوزه‌ای که به مقاومت فعال توجه شده، آسیب‌ها و ضعف‌ها ترمیم شده و قدرت درون‌زا تولید شده است. برای نمونه، می‌توان به تولید بنزین در داخل کشور براساس راهبرد مقاومت، آن هم در اوج تحریم‌های فلج‌کننده و انکای صرف به توان و ظرفیت‌های داخلی اشاره کرد، به گونه‌ای که امروز، دیگر بنزین در لیست کالاهای تحریمی قرار ندارد. براین اساس می‌توان گفت، حجم ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها در کشور به میزان توجه به راهبرد مقاومت بستگی دارد؛ بدین معنا که در جاهایی که به مقاومت فعال در برابر دشمن توجه شده؛ یعنی عزم و همت مؤمنانه را به کار بسته‌ایم، نه تنها موفق به دفع فشارهای دشمن شده‌ایم، بلکه قدرت درون‌زا و مصونیت‌بخش تولید شده است.

۱۱
خرد

شماره ۹۷۸ | دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۹

صداقت

سیاست نامه

اندیشه سیاسی فضل‌الله نوری-۳

نقطه مقابل انحراف

فتح‌الله پربشانی

دبیر گروه اندیشه

شیخ شهید آیت‌الله فضل‌الله نوری تحصیلات خود در رشته علوم دینی و معارف اسلامی را در دو حوزه صاحب مکتب و سبک آن روز، یعنی نجف و سامرا، در محضر استادان بزرگی همچون میرزای شیرازی، شیخ حبیب‌الله رشتی و شیخ راضی به تکامل رساند و پس از نائل شدن به مقام اجتهاد در سال ۱۳۰۳ ه.ق. به تهران آمد. از حوادث و وقایع مهم تأثیرگذار در حیات سیاسی و اجتماعی وی مشارکت فعال در نهضت تحریم تنباکو است. وی در آن نهضت برای اولین بار با چم و خم کار سیاسی آشنا شد و این تجربه را سال‌ها بعد در نهضت عدالت‌خانه که به نهضت مشروطیت تبدیل شد، تکرار کرد. شهید فضل‌الله نوری از رهبران مهم و برجسته مشروطیت بود؛ اما به دنبال انحراف نهضت عدالت‌خانه مردم ایران به طرح مشروطیت روشنفکران و بیگانگان، او به مخالفت با اهداف و اندیشه‌های سردمداران مشروطه و اعمال ضد اسلامی آنها برخاست و سرانجام پس از پیروزی و حاکمیت مشروطه‌طلبان در یک دادگاه فرمایشی به اعدام محکوم و در تاریخ سیزدهم رجب سال ۱۳۲۷ ه.ق. در میدان توپخانه به شهادت رسید. یکی از مهم‌ترین سؤالات مربوط به مقطع مشروطیت چیستی و چرایی اختلاف بین شیخ شهید و مشروطه‌خواهان است. تورق در آثار و مکتوبات شیخ و همچنین آثار تاریخی مشروطیت و آرای رهبران روشنفکر و فاتحان تهران نشان می‌دهد که از مهم‌ترین دلایل این اختلاف مسئله حکومت مشروطه بود. در جنبش عدالتخانه که برای جلوگیری از ظلم و ستم و مبارزه با استبداد و به رهبری روحانیون اداره می‌شد، ابتدا هیچ نامی از مشروطه در میان نبود. نام مشروطه و القای اندیشه مبارزه برای ایجاد حکومت مشروطه از هنگام تحصن در سفارت انگلستان و به وسیله روشنفکران غربگرا و فراماسون در بین مبارزان رواج یافت. مهم‌ترین خواسته مبارزان اجرای قوانین اسلام و مهم‌تر از همه ایجاد عدالتخانه‌ای برای رسیدگی به شکایات مردم بود. این واقعیت تاریخی در فرمان مظفرالدین شاه به عین‌الدوله برای رسیدگی به درخواست‌های متحصنان در حرم حضرت عبدالعظیم (ع) آمده است: «ترتیب و تأسیس عدالتخانه دولتی برای اجرای احکام شرع مطاع و آسایش رعیت از هر مقصود مهمی واجب‌تر است.» اساساً شیخ فضل‌الله با همین انگیزه اجرای دستورات اسلامی با درخواست رهبران نهضت عدالتخانه برای همکاری با نهضت موافقت کرد و در پاسخ به آنها گفت: «من راضی به بی‌احترامی به روحانیت و توهین به شریعت نیستم و شما را تنها نمی‌گذارم. هر زمانی که اقدامی انجام دادید من هم با شما حاضر، ولی باید مقصود اسلام و شرع باشد و طوری رفتار نشود که اسباب توهین به شرع و علما فراهم شود.» اما در روند نهضت، تحصن در سفارت انگلستان که با هدایت فراماسون‌ها و غربگرایان و روشنفکران انجام گرفت، نقطه آغازین انحراف نهضت عدالتخانه بود و شیخ فضل‌الله نخستین کسی بود که به طور مشخص رویارویی جریان غرب‌زدگی این دوران با اسلام را دریافت و در مقابل خواست آنها برای تبدیل جنبش عدالت‌خواهی مردم به مشروطیت وارداتی غربی ایستاد. منابع در دفتر نشریه موجود است.

آفاق

نظریه نظام انقلابی - ۳۰

شاخصه کارگزار انقلابی

جهادی به منزله دو شاخصه مهم کارگزار انقلابی بررسی خواهد شد.

«روحیه انقلابی» حالتی است که فرد انقلابی بی‌توجه به سختی‌ها، موانع، فشارها، تهدیدات، تنها به پیش‌برد آرمان انقلاب می‌اندیشد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، روحیه انقلابی، یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن، قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن، با امید دنبال هدف حرکت کردن و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن.

در مفهوم روحیه، شور و احساس متعالی نهفته و انگیزه، اراده و عزم مفاهیمی است که در متن این مفهوم وجود دارد. البته این به معنای بی‌توجهی به واقعیت‌ها نیست، بلکه منظور این است که کارگزار انقلابی در عین توجه به واقعیت‌ها، مسیر منطق واقعیت‌ها نشده و در برابر واقعیت‌های نامطلوب تسلیم نمی‌شود؛ بلکه برای ایجاد و رقم زدن واقعیت‌های مطلوب، با عزم و اراده انقلابی و تحول‌خواهی، اقدام می‌کند. از این نظر، مفهوم روحیه انقلابی در اینجا با مفهوم روحیه انقلابی در مرحله شکل‌گیری و تکوین انقلاب‌ها، آنگونه که در تئوری‌های انقلاب‌ها گفته می‌شود، قرابت و بلکه تطابق معنایی دارد.

بنابراین، شجاعت، اقدام و عمل، ابتکارورزی، بن‌بست‌شکنی و امیدواری به آینده از جمله شاخصه‌های نظام انقلابی در سطح کارگزار از دیدگاه رهبر معظم انقلاب است که در پیوند با مفهوم روحیه انقلابی مدنظر است.

محسن محمدی الموتی

استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره)



پس از بررسی شاخصه‌های نظام انقلابی در سطح ساختار، شاخصه‌های کارگزاران این نظام اهمیت ویژه‌ای دارد. با استناد به بیانات رهبر معظم انقلاب، می‌توان طیفی از شاخصه‌های بینشی، گرایشی و رفتاری را برای کارگزاران نظام انقلابی فهرست کرد. شجاعت، اهل اقدام و عمل بودن، ابتکار داشتن، بن‌بست‌شکن و گره‌گشا بودن، از سرزنش‌ها تترسیدن، به آینده امیدوار بودن، اهل تقوا، ایمان، بصیر و بینا بودن، صراحت‌داشتن، عادلانه عمل کردن، خردمندانه رفتار کردن، دقیق بودن، دلسوز، منصف، قاطع، بدون رودربایستی عمل کردن، اسیر حدود تحمیلی نشدن، قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن، با انگیزه و بانشاط بودن، پیگیر امور بودن تا حصول نتیجه، شناخت پیچیدگی وضعیت زمانی، باسواد، متدین، پیشگام، خودباور، غیور، هدفمند بودن، اهل عمل مجاهدانه، اهل حضور در صحنه، اهل استقامت و ایستادگی، قانون مدار، اهل مرزبندی با دشمن، معتقد به ارزش‌های انقلاب و پسرکار بودن برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های افراد و کارگزاران یک نظام انقلابی از منظر اسلام و امامین انقلاب است. در این مطلب و شماره آتی، از باب اهمیت راهبردی تنها روحیه انقلابی و عمل

ریزش‌ها

فراز و فرود عبدالکریم سروش - ۳

مخالفت با پوپر مخالفت با مقدسات است!

کرد: «این پوپر کیست که هم دشمنان انقلاب اسلامی

در خارج اثر او را وسیله مخالفت کرده‌اند و هم در داخل جمهوری اسلامی گروهی برایش سر و دست و پا می‌شکنند و مخالفت با او را مخالفت با مقدسات می‌شمارند.» این نقد پوپر با پاسخ تند و پرخاشگرانه سروش مواجه شد اما بعد از پاسخ آقای داوری به سروش، او طی نامه‌ای به مسئولان کیهان فرهنگی اعلام کرد که حاضر به پاسخگویی به حرف‌های داوری نیست و با رویکردی غیرعلمی و غیر حرفه‌ای از آنها خواست تا بین او و آقای داوری یکی را برای چاپ مطلب انتخاب کنند! نتیجه این اقدام وی با توجه به اینکه بیشتر افراد شش‌غول در کیهان فرهنگی وقت از دوستان سروش بودند، معلوم بود؛ فعالیت علمی نداشتن رضا داوری در این نشریه سروش در حالی به رذیله اخلاقی تحمل نکردن انتقاد مبتلا شده بود که همواره خود را فردی آزادمنش و انتقادپذیر نشان داده و جبهه‌های فکری رقیب را با این قبیل بهانه‌ها نواخته است. در همین زمینه یکی از دوستان سروش در مطلبی با عنوان «وداع با دکتر سروش» می‌نویسد: «او طوری رفتار می‌کند که گویی بالاتر از نقد است و صاحب گنجینه‌ای از علم است که باید با چهره‌ای عبوس مانند حاجبی از آن پاسداری کند.»



بافرمان امام (ره) در ۲۲ خرداد ۱۳۵۹، ستاد انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها به منظور نظارت بر روند اسلامی بودن مراکز آموزش عالی تشکیل شد و دکتر سروش نیز به عضویت آن درآمد. عضویت عبدالکریم سروش در ستاد انقلاب فرهنگی، نه تنها به جهت اسلامی کردن دانشگاه‌ها و تغییر رشته‌های غربی به اسلامی نبود، بلکه او اساساً با اینکه رشته‌های دانشگاهی را می‌توان با رویکرد اسلامی اصلاح کرد و با علوم اسلامی تولید و جایگزین آن کرد مخالف بود. چنانکه در سال ۱۳۶۰ در گفتاری از بی‌وطن بودن علم سخن گفته و مدعی می‌شود «علم ایرانی و غربی با اسلامی و مسیحی ندارد» اما با این حال عضویت در این ستاد همواره نقطه ضعفی برای دکتر سروش در نزد دوستان ضدانقلابی‌اش به شمار می‌آید. از این رو، ۲۰ خرداد ۱۳۸۹ در مصاحبه‌ای با روزنامه هم‌میهن سعی کرد حضور خود در این ستاد را بی‌اثر نشان دهد. وی در این باره گفت: شورای انقلاب فرهنگی هنگامی تشکیل شد که دانشگاه‌ها بسته شده بود و ستاد مکلف به بستن دانشگاه‌ها، دیگر اینکه ستاد مشکل از هفت نفر بود و من در اغلب بحث‌هایی که امروزه می‌شود می‌بینم مسئله چنان مطرح می‌شود که گویی ستاد انقلاب فرهنگی یک نفر داشت و آن هم بیرون کردن دانشگاهیان بود. هر دو ادعا بسیار جفاکارانه و دروغ‌زانه است. یکی از پروژه‌های فکری سروش ترویج و تحکیم علوم انسانی غربی به ویژه تفکر «کارل پوپر» در ایران بود. زمانی که دکتر رضا داوری اردکانی در زمان انتشار اولین ترجمه «جامعه‌باز و دشمنان آن»، این اثر را در کیهان فرهنگی نقد کرد و در ذیل عنوان «علم و آزادی آری، القاط نه!» سؤال

**حساب منتسب به رهبر معظم انقلاب:**

مشکل اقتصاد کشور نداشتن راهکار یا نداشتن راهکار نیست. راهکارها را کارشناسان می‌دانند. من می‌بینم دولتی‌ها و غیردولتی‌ها و اقتصاددان‌ها، همه‌شان راهکارهای مشترکی را بیان می‌کنند. بنابراین راهکارها معلوم است. آن چیزی که ما نیاز داریم، همت و شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری است.

**محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام:**

حافظه پارک اوپاما شاید به هر دلیل آسیب دیده باشد اما اینجا در سردشت، زرده، حلبچه، پلانیه و... هیچ کس جنایت رژیم بعث عراق را که با چراغ سبز آمریکا و انگلیس صورت گرفت، فراموش نکرده است. مردم سردشت دستکش مخملی آمریکا را باور ندارند و داغ «بمباران شیمیایی سردشت» را در سینه دارند؛ خاطرات تلخ و شیرین مشترک ما، بخش جدایی‌ناپذیر تاریخ و هویت ماست.

**مهدی چمران، فعال سیاسی:**

بن سلمان نهایت نوکری و خیانت خود به دنیای اسلام و حتی آزادگی را نشان داد و پذیرای نتانیاهو، چهره خبیث و جنایتکار و کودک‌کش اسرائیلی به خاک عربستان شد. همان بن سلمانی که خود را خادم‌الحریمین می‌نامد و این گونه به اسلام و فلسطین خیانت می‌کند.

**سیدباصبر جبرائیلی، فعال سیاسی:**

در ۹ ماهه ۲۰۲۰ ایران نزدیک به نیم میلیارد یورو از اروپا «مواد غذایی، حیوانات زنده، نوشیدنی و دخانیات» وارد کرده است. برای رقم زدن این فاجعه در این شرایط ارزی و در مقابل دیدگان مدیران تجاری کشور، دلالت حتماً باید مدیریت بلد بوده باشند. آقایان مدیریت نمی‌کنند، مدیریت می‌شوند.

**محمد کعب عمیر، نماینده مجلس:**

آقای روحانی، ریاست محترم جمهور، اگر به جای تشکیل تیم برای رصد نظرات نمایندگان مطالبه‌گر و شکایت از آنها، کمی وقت صرف تشکیل تیم‌های تخصصی برای رفع مشکلات معیشتی مردم می‌گذاشتید، اکنون اوضاع اقتصادی اینچنین نبود و مرغ به کیلویی ۴۰ هزار تومان نرسیده بود.

**مهدی محمدی، تحلیلگر مسائل سیاسی:**

کاترین اشتون، در تایم نوشته برنامه هسته‌ای همچون تخته سنگی بزرگ بر در خانه ایران بود که مانع از ورود ما به خانه می‌شد. ما با برجام این مانع را از سر راه برداشتیم!

جراحی تشدید واکنش افکار عمومی نسبت به اقدامات نابجای برخی دستگاه‌ها

احساس درد مشترک

برای همه در جامعه تقویت شود. از این رو ضروری است که نهادهای مسئول و خاصه اجرایی کشور از جمله وزارت کشور بازنگاهی به روندها و شیوه‌های سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های خود داشته باشند و با تنظیم قواعد و دستورالعمل‌هایی منطبق با شرایط روز حاکم بر جامعه و کشور مانع از تکرار حوادث تش‌آفرین از سوی مسئولان محلی کشور شوند.

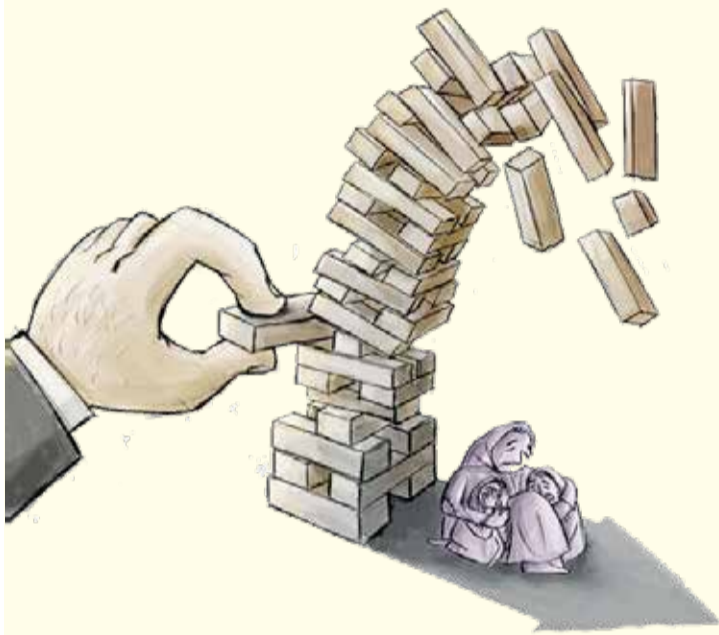
بودند، قطعاً ملاحظاتی را در اجرای قانون لحاظ می‌کردند و اینگونه برای نظام و کشور هزینه ایجاد نمی‌کردند؛ برای نمونه مسئولان می‌توانستند برای جلوگیری از ایجاد حس تبعیض و بروز خشم و اعتراض در افکار عمومی هم‌زمان با تخریب آلودگی‌ها، چند ویلای غیرقانونی مسئولان را که پیش از این رسانه‌ای شده، بولدوزری و نه نرم نرمک تخریب می‌کردند تا احساس برابر بودن قانون

نیز باید مد نظر مسئولان محلی کشورمان باشد! البته اگر کمی موشکافانه‌تر به موضوع نگاه کنیم، در خواهیم یافت که ماجراهای پر حاشیه سال‌های اخیر به ویژه مواردی، مانند تخریب منازل اقشار کم درآمد ناشی از تداوم نگاه سنتی به مسئولیت و دولت‌داری در کشور ماست.

به عبارت دقیق‌تر، در شرایطی که فضای اطلاعاتی و رسانه‌ای کشور تحت سیطره رسانه‌های غیر رسمی و عمدتاً مجازی است. متأسفانه در نگاه برخی مدیران و مسئولان، افکار عمومی صرفاً کارکردی گیرنده و تبعیت‌کننده دارد؛ آنهم در حالی که حداقل از ابتدای دهه ۸۰ فراگیری فضای مجازی در کشور ما موجب تقویت حضور و فعالیت رسانه‌های غیر رسمی و حتی فردی و ویلاگی شده است که به مدد این نوع رسانه‌ها افکار عمومی نسبت به مسائل حاکم بر جامعه، به موجودیتی تعاملی و واکنش‌گرا بدل شده و بی‌توجهی به این واقعیت می‌تواند هزینه‌های سنگینی را به کشور و نظام تحمیل کند.

از این رو در مدل‌های نوین حکمرانی تلاش می‌شود رابطه مسئولان و افکار عمومی بیش از پیش نزدیک شده تا سیاست‌های طراحی و اجرا شده از سوی مسئولان کمترین فاصله را با خواست و مطالبه افکار عمومی داشته باشد و از این طریق کمترین اصطکاک بین مردم و دولت شکل گیرد.

برای نمونه، در ماجرای تخریب خانه‌های افراد محروم اگر برخی مسئولان محلی شرایط حاکم بر افکار عمومی کشور را در نظر گرفته



بررسی پیامدهای زایمان زودرس به خاطر تاریخ تولد ژند در گفت‌وگو با یک کارشناس مامایی

رقابت پوچ با آسیب‌های جبران‌ناپذیر



حاملگی غیر ممکن است. در واقع، عملاً انجام زایمان زود هنگام با هدف تولد در یک تاریخ خاص خیانت و ظلم والدین به نوزاد است.

به نظر شما نقش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در شیوع این پدیده در کشور ما چه بوده است؟

بدون شک نقش فضای مجازی در رواج یافتن این پدیده مبتذل و غیر اخلاقی قابل کتمان و نادیده گرفتن نیست؛ چرا که برخی والدین با زایمان زود هنگام و ثبت تاریخ تولد خاص در دیده شدن در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستند که از آن می‌توان به مثابه یک عارضه نوپدید ناشی از فقدان سواد و اخلاق رسانه‌ای یاد کرد.

زایمان زودرس با دلایل غیر پزشکی چه آسیب‌ها برای نوزادان دارد؟

بدون شک به دنیا آوردن یک نوزاد قبل از زمان طبیعی زایمان، عوارض سونی مانند مشکلات تنفسی ناشی از نابالغ بودن ریه، نداشتن توانایی کنترل دمای بدن به دلیل کوچک بودن جثه، مستعد بودن در ابتلا به عفونت به دلیل سیستم ایمنی نابالغ، خون‌ریزی و آسیب مغزی، مشکل تغذیه و شیر خوردن به دلیل مشکل در بلع و مکیدن را به همراه خواهد داشت. افزون بر این، پژوهش‌های علمی اثبات کرده است، تولد زود هنگام تأثیری منفی بر شکل‌گیری سلول‌های خاکستری مغز جنین دارد؛ لذا در کل می‌توان گفت توانایی یک نوزاد نارس برای زنده ماندن خیلی سخت و در بعضی موارد با توجه به سن

قبل و انجام زایمان زودرس در روز ۹ آذر ماه حکایت داشت؛ چرا که از منظر این قبیل والدین، تولد در این روز موجب حک شدن تاریخ ۹/۹/۹۹ در شناسنامه نوزادشان خواهد شد و از این طریق آنها می‌توانند در فضای مجازی و بین دوستان و آشنایان خود از طریق ژند بودن تولد کودک‌شان فخر فروشی کنند!

با توجه به اهمیت این موضوع و رواج یافتن آن در بین بخشی از نسل زوجین جوان لازم دیده شد تا در رابطه با این پدیده مبتذل و پیامدها و آسیب‌های آن بر سلامت کودکان با «مهسا عباسی» کارشناس مامایی و پژوهشگر حوزه سلامت کودک گفت‌وگویی داشته باشیم.

خبر خوب

تصفیه با خورشید

نخستین آزمایشگاه نوین فتوکاتالیستی



برای نخستین بار در کشور آزمایشگاه ارائه خدمات نوین فتوکاتالیستی با هدف ایجاد واحد طرح و توسعه فناوری فتوکاتالیستی در حذف آلاینده‌های نوظهور و تصفیه تکمیلی آب‌های آلوده و انواع مختلفی از پساب‌های صنعتی به منظور بازچرخانی پساب با بهره‌گیری از نور خورشید به‌عنوان یک منبع انرژی تجدیدپذیر راه‌اندازی شد.

این آزمایشگاه یکی از زیرمجموعه‌های مرکز تحقیقات محیط زیست دانشگاه رازی است که فعالیت خود را آغاز کرده است.

پژواک

امنیت سایبری

دیوار آتش جدید چین



چین برای حفاظت از حریم خصوصی و دیجیتال شهروندان چینی دست به تدوین قانون جدید زده است که بر مبنای آن دسترسی به اطلاعات شهروندان چینی در فضای مجازی بیش از پیش دشوار خواهد شد. این قانون پس از تصویب تأثیراتی گسترده بر حفاظت از اطلاعات شخصی افراد و کسب‌وکارهای اینترنتی خواهد داشت چرا که این قانون بر وجوه کلیدی حفاظت از اطلاعات شخصی افراد تمرکز می‌کند و ملزومات سختگیرانه‌تری را برای پردازش اطلاعات کاربران و انتقال داده‌های حساس به خارج از مرزهای چین در نظر گرفته است.

نرم افزار

هنشی تلفنی

مدیریت تماس‌ها و پیامک‌ها



اگر از قابلیت‌های پیش فرض تلفن همراه هوشمند خود برای مدیریت تماس‌ها و پیامک‌ها راضی نیستید و به دنبال یک برنامه جایگزین با قابلیت‌های ویژه می‌گردید، یکی از بهترین گزینه‌های پیش روی شما اپلیکیشن «پیام ویژه» خواهد بود.

نرم افزار ایرانی «پیام ویژه» یکی از کامل‌ترین اپلیکیشن‌های مدیریت پیامک‌ها و تماس‌ها در تلفن همراه است؛ زیرا علاوه بر قابلیت ساماندهی پیامک‌ها، به آسانی تلفن همراه شما را به یک منشی هوشمند بدل می‌کند.

جای خالی طنز در شب‌های سرد گرونیایی

به بهانه پخش سریال «۲۱» ساخته سید جواد رضویان و سیامک انصاری

نسیم اسدیور

دبیر گروه فرهنگ



در این روزها و شب‌های گرفتار کرونا که سینماها بسته و مراکز تفریحی و فرهنگی تعطیل یا نیمه تعطیل هستند، قطعاً بار دیگر جایگاه تلویزیون، این قاب جادویی بیش از قبل دارای اهمیت شده است. تلویزیونی که تماشای آن می‌تواند تا حدی شب‌های سرد زمستان را کوتاه و از استرس این ایام بکاهد؛ به همین دلیل صدا و سیما هم تلاش کرده است تا وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد، اما آیا این تولیدات توانسته همراه خوبی برای اوقات فراغت و دورهمی‌های خانگی خانواده‌ها باشد؟

طنزی که نهنداند!

برای نمونه، شبکه سوم سیما کنداکتور سریال شبانه‌اش را با سریالی جدید و کمدی به نام «۲۱» بسته بود؛ آن هم با حضور بازیگرانی مانند جواد رضویان و سیامک انصاری که کارنامه خوبی در حوزه کمدی داشته و دارند، اما متأسفانه ۲۱ نه تنها مورد رضایت مخاطبان واقع نشد؛ بلکه در آمار خود تلویزیون نیز جزء کم مخاطب‌ترین سریال‌ها قرار گرفت. این در حالی است که مردم ما این روزها و در شرایطی که مشکلات اقتصادی و سوءتدبیرها از یک سو و استرس ناشی از شیوع بیماری کرونا از سوی دیگر آنها را تحت فشار و هجمه قرار داده، بسیار تشنه کارهای کمدی و شاد هستند تا شاید با تماشای چنین آثاری بتوانند بسیاری از مشکلات



روزمره را از یاد ببرند.

سریالی که به نظر می‌رسد هزینه کمی هم بابت ساخت آن صرف نشده است، اما انگار تجربه‌ای از هزینه بیت‌المال باید باشد تا مدیران بپذیرند که یک بازیگر خوب الزماً نمی‌تواند تولیدکننده توانمندی هم به شمار آید.

۲۱، حتی یک داستان مناسب و جذاب هم نداشت؛ دورفقی که با دو خواهر ازدواج کرده‌اند، با فرزندان که خلق و خوی آنها هیچ موقعیت جذاب و جالبی را رقم نمی‌زند. مخاطب هیچ‌گونه شخصیت‌پردازی مناسبی در فیلم‌نامه شاهد نیست،

بنابراین هیچ انتظاری هم از هیچ یک از کاراکترها ندارد.

داستان‌های کوتاه و بی‌ربط آنچنان بی‌ملاحظه کنار هم چیده شده‌اند، که مخاطب را گیج می‌کنند. سریال با فضای کنونی زندگی مردم ایران بسیار فاصله دارد، نه شخصیت‌ها، شخصیت‌هایی هستند که در اطراف‌مان زیاد می‌بینیم و نه اتفاق‌ها.

این در حالی است که اگر نگاهی کوچک به کارهای کمدی مورد استقبال مردم در طی چند دهه گذشته بیندازیم، متوجه خواهیم شد همیشه کارهایی ماندگار بوده‌اند که مردم توانسته‌اند با

آنها همزادپنداری کنند، کاراکترهایی مانند «آقا ماشالله» در «خانه به دوش» یا «هاشم آقا» در «متهم گریخت»، حتی سه رفیق در «لیسانسه‌ها» و «فوق‌لیسانسه‌ها»، کسانی هستند که مشکلاتی کاملاً از جنس مردم دارند و برای حل آنها نیز راه حل‌هایی دقیق از جنس مردم و در قالب طنز انتخاب کرده‌اند.

اما یکی از اصلی‌ترین مشکلات ۲۱ را علاوه بر نداشتن داستان یک خطی جذاب، می‌توان بازی‌های نه چندان دلچسب بازیگرانش دانست؛ بازیگرانی که وقتی در کارهایی که خود کارگردانی نکرده‌اند، قرار گرفته‌اند بسیار دوست داشتنی و طنز هم بوده‌اند.

موعد تجدیدنظر

در هر حال، ۲۱ را می‌توان یکی از کارهای کمدی ضعیف چند سال اخیر تلویزیون دانست، سریالی که نه تنها آموزنده و ارتقادهنده نبود، بلکه نتوانست سرگرم‌کننده هم باشد. به گونه‌ای که گاهی شب‌ها مخاطب آتقدر به تماشای این به اصطلاح کمدی بی‌رغبت می‌نشست که حاضر بود از وسط آن قسمت، کنترل به دست بگیرد و شبکه را عوض کند! در چنین وضعیتی شاید بهتر باشد رسانه ملی به سوی هنرمندانی برگردد که چه در مقام بازیگر و چه در مقام نویسنده و کارگردان اگر فرصت مناسبی پیدا کنند، کارهای ماندگاری را نیز تحویل می‌دهند. البته نمونه‌های موفق در سال‌های اخیر هم کم نیستند؛ مجموعه‌هایی مانند «پایتخت»، «نون خ» و... که در کنار مقوله طنز سیاسی، اجتماعی از موضوعات روزمره زندگی مردم هم غفلت نمی‌کنند.

برداشت

عموراستگو‌هایی که امروز باید میدان‌دار شوند

در حاشیه خبر تلخ درگذشت حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو

حامد حسین عسکری

خبرنگار

در میان انبوه خبرهای تلخ این روزها و هفته‌ها که به لطف بیماری کرونا، کم‌کم دارد برای ما عادی می‌شود، خبر درگذشت حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو، تلخی متفاوت و زایدالوصفی برای بچه‌های دهه ۶۰ و ۷۰ داشت. روحانی نازنین، بی‌ریا و وارسته‌ای که در ایام نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، منبرش را به تلویزیون آورد، اما به شیوه‌ای متفاوت و برای نسلی متفاوت.

روحانی جوان آن روزها، بعد از مدت کمی به «عمو راستگو» برای نوجوانان

و جوانان تبدیل شد و با کلام شیرین و بی‌ریا و با ابداعات هنرمندانه و خوش ذوقش که از خط خوش گرفته تا جدول کلمات و اعداد متنوع بود، عمیق‌ترین معارف انسان‌ساز الهی را برای نسلی که به تازگی طعم انقلاب را چشیده بودند، بیان می‌کرد و اوقاتی شیرین و دلنشین در استودیوهای سیما و البته در پای تلویزیون برای میلیون‌ها بیننده نوجوان و جوان و حتی بزرگسال رقم می‌زد. این جهاد هنرمندانه و متفاوت مرحوم راستگو تا دهه ۷۰ و حتی تا اوایل دهه ۸۰ ادامه پیدا کرد و حتی زمانی که گرد پیری بر چهره‌اش نشست، اگر فرصتی دست می‌داد، از ادای تکلیف کوتاهی نمی‌کرد، حتی اگر عده‌ای غافل، این ابتکار مخلصانه او را مغایر هویت صنفی روحانی و شأن طلبگی بدانند؛ حالا آن چهره مخلص و خاطره‌ساز که میلیون‌ها نفر شیرینی معارف الهی را با شیوه‌های هنرمندانه

او چشیدند، از میان ما رفته، اما این سؤال به طور جدی مطرح است که وظیفه طلاب فاضل، جوان و دغدغه‌مند در این روزگار چیست؟ واقعیت این است که امروز نه تنها رادیو و تلویزیون، بلکه فضای مجازی به عنوان یک بستر گسترده، فرصتی شده است برای بیماران اذهان مخاطبان، آن هم با انبوه داده‌های غلط بدخواهان این مردم، در کنار هم چیده شده است. در چنین زمانه و چنین میدانی، هر چند طلاب جوان و باسواد کم‌فعال نیستند، اما به نظر می‌رسد جای خالی نقش آفرینی‌هایی از جنس «عموراستگو» نسبتاً احساس می‌شود و وقت آن است که روحانیون باسواد و فاضل و در عین حال خوش ذوق، فرصت را برای نشر هنرمندانه معارف اهل بیت (ع) برای جان‌های تشنه کودکان و نوجوانان، غنیمت بشمرند.



تلویزیون

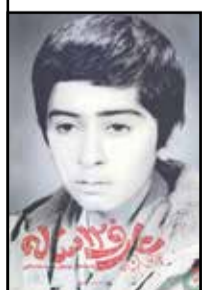
خانه عزیز سریال نوروزی شبکه دو



سریال «خانه عزیز» که برای پخش در نوروز ۱۴۰۰ از شبکه دو سیما در نظر گرفته شده، وارد مرحله پیش‌تولید شده است. «خانه عزیز» یک ملودرام شیرین اجتماعی است که داستان آن را سعید دولت‌خانی همراه با نوید محمودی نوشته‌اند. «نوید محمودی» علاوه بر نویسندگی، تهیه‌کنندگی این اثر را نیز برعهده خواهد داشت. گفتنی است او پیش از این سریال «سایه‌بان» را برای شبکه دو سیما ساخته بود که ضمن معرفی چهره‌های جدید با استقبال خوب مخاطبان رسانه ملی نیز روبه‌رو شده بود.

کتاب

عارف ۱۳ ساله چاپ سوم خاطرات رضا پناهی



چاپ سوم کتاب «عارف ۱۳ ساله»؛ خاطرات شهید نوجوان رضا پناهی هم‌زمان با هفته بسیج از سوی انتشارات شهید کاظمی روانه بازار کتاب شد. رضا پناهی، عارف ۱۳ ساله‌ای است که عظیم‌ترین صحنه‌های از خود گذشته‌اش را در عمر کوتاه خود به نمایش گذاشت. ستاره درخشان کلاس اول راهنمایی که عظمت روحی او به تنهایی می‌تواند عالمی را روشن کند. این کتاب را انتشارات شهید کاظمی به کوشش سیدحسین موسوی در قطع رقعی و ۸۰ صفحه هم‌زمان با هفته بسیج منتشر کرده است.

سریال

شبکه کوچک مجموعه عروسکی برای تلویزیون



تهیه‌کننده مجموعه تلویزیونی «شبکه کوچک» گفت: «نگارش این مجموعه تلویزیونی به قسمت ۸۰ رسیده است و تا ۱۰۴ قسمت ادامه خواهد داشت.» مسعود صفوی با بیان اینکه ساخت عروسک‌ها تمام شده، افزود: «شبکه کوچک یک شبکه است که کاراکترهای عروسکی آن را تأسیس کردند و آن را اداره می‌کنند. این شبکه مانند شبکه‌های دیگر اخبار، سریال، کارتن و... دارد. تولید سریال‌های انیمیشن به پایان رسیده است؛ مانند سریال «نت سلطان» که یکی از سریال‌های این شبکه است.

یادداشت

بیم و امید تئاتر مقاومت

آرش فهیم

منتقد سینما



برگزاری جشنواره‌ها هم از نوع تئاتری آن‌در روزهای اوج‌گیری شیوع کرونا شاید در نگاه اول، منطقی و امکان‌پذیر نباشد؛ چراکه تئاتر همواره با صحنه و اجرای زنده شناخته می‌شود و مواجهه رو در رو و نفس به نفس مخاطب با اجراکنندگان و بازیگرهای نمایش، به تئاتر معنای به‌بخشد. احتمالاً تماشای برخی از این تئاتر، آن‌گرم و جذابیت را نداشته باشد؛ دیدن نمایش در تالار کجا و از چارچوب محدود راینه کجا؟ با این‌وصف هفدهمین دوره جشنواره تئاتر مقاومت به طور برخلاف حال برگزاری است و فقط بخش تئاتر خیابانی اجرای زنده دارد. برگزاری این جشنواره آن هم با محوریت موضوع «مقاومت» در این وضعیت کرونایی، اگر سنسجیده و بی‌نامه‌ریزی دقیقی همراه باشد، می‌تواند عامل پویایی و نشاط نزد هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر تئاتر شود. تئاتر مقاومت، اصیل‌ترین نوع نمایش ایرانی است که می‌توان آن را تلفیقی از تئاتر مدرن و تئاتر سنتی دانست که بیشتر در قالب تعزیه و شبیه‌خوانی شناخته می‌شود. دفاع از حق در برابر باطل و پایداری بر سر هویت اسلامی و ایرانی، چکیده محتوای تئاتر مقاومت است و همان‌طور که مشخص است نزدیک‌ترین نوع تئاتر به فرهنگ ماست، به همین دلیل هم برگزاری جشنواره‌های با این موضوع، فارغ از کیفیت آن حائز اهمیت است. اما طی سال‌های اخیر برخی از نمایشنامه‌نویس‌ها و کارگردان‌های منتسب به جریان تئاتر مقاومت، به ورطه اجرای آثار ضدجنگ افتاده‌اند؛ نمایش‌هایی از جنس آثاری که در کشورهای متجاوز و جنگ طلب اجرا می‌شود، کژراهه‌ای در این جریان است. در کشورهایی مانند آمریکا و آلمان برخی از نویسندگان و کارگردان‌ها آثاری در اعتراض به حمله و تجاوز ارتش کشورهایشان به دیگر کشورها خلق می‌کنند. متأسفانه، برخی از اهالی تئاتر در ایران نیز بدون در نظر گرفتن دفاعی بودن جنگ هشت ساله ما، به کپی‌برداری و تقلید خام‌از روی نمایش‌های ضدجنگ در غرب دست می‌زنند. در جشنواره تئاتر مقاومت، که این نقص را می‌توان ناشی از جای خالی کار نظری درباره تمایز تئاتر مقاومت و ضدجنگ دانست، واقعیت این است که این جشنواره با وجود اهمیت و برجستگی‌اش، هنوز نتوانسته تئاتر مقاومت را به بخشی از تعلق خاطر و دغدغه عموم مردم تبدیل کند. این جشنواره برای مخاطب عام، جذابیت چندانی ندارد. جشنواره تئاتر مقاومت باید با نوسازی رویکردها و موضوعات خودش و توجه بیش از پیش به مسائل روز جامعه، بیشتر به دل مردم و به ویژه علاقه‌مندان به تئاتر راه پیدا کند. به نظر می‌رسد، نسل جدید هنرمندان تئاتر و به‌طور خاص، تحصیل‌کردگان این رشته، متأسفانه ارتباط چندانی با مضامین مرتبط با مقاومت ندارند. یکی از خلأهای جشنواره تئاتر مقاومت، کادرسازی است. این جشنواره باید سازوکارهایی را به کار گیرد تا شاهد پرورش هنرمندانی مرتبط و متعهد به فرهنگ مقاومت باشیم. به طور کلی، جشنواره تئاتر مقاومت در هفده سالگی‌اش در کنار امید، راهی طولانی برای کامل شدن در پیش دارد. این جشنواره می‌تواند با تکمیل و تکامل، به یک رویداد جریان‌ساز و مؤثر در تئاتر داخل و خارج از کشور تبدیل شود.

یادداشت

کوهستان آتش
بچه‌های همتسردار گلعلی بابایی
مستندنگار دفاع مقدس

سوزده محوری کتاب «کوهستان آتش»، کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) در مأموریت شناسایی محور بوسو-در بندری خان و عملیات‌های والفجر ۳ و والفجر ۴ است. فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) در این مقطع زمانی، شهید حاج ابراهیم همت بوده است. خوشبختانه شهید همت از فرماندهانی بوده‌اند که پس از انجام هر عملیات آن را تجزیه و تحلیل می‌کردند و به طور کامل عملیات را شرح می‌دادند. بیشتر اسنادی که در کتاب «کوهستان آتش» استفاده شده، مربوط به مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. همه این اسناد را ارویان حاضر در لشکر در همان زمان عملیات ثبت و ضبط کرده و اکنون در اختیار مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. تعداد زیادی از ارویان و آنهایی که روایت‌های شان به مثابه سند در کتاب مطرح شده است، در طول چهار سال بعدی جنگ به شهادت رسیدند.

این کتاب بازه زمانی اردیبهشت ماه تا آذر ماه سال ۱۳۶۲ را در بردارد. در این بازه زمانی عملیات‌ها در جنوب قفل شد و دیگر انجام عملیات در زمین صاف و دشت جنوب امکان‌پذیر نبود. تدبیر فرماندهان این بود که به سمت غرب و شمال غرب بروند. در این کتاب در مورد عملیات‌هایی که در این جبهه انجام شده صحبت می‌شود؛ از جمله عملیات والفجر ۳ که در کوهستان انجام شد.

عملیات لغو شده بمو موضوع دیگری است که یکسوم از کتاب را شامل می‌شود و به شناسایی‌های سخت و طاقت‌فرسایی که در در بندری خان و ارتفاعات شاخ شمیران انجام گرفت، اختصاص دارد. این منطقه کوهستانی و صعب‌العبور است و به همین دلیل عملیات پس از شش ماه کار شناسایی لغو می‌شود. در نهایت کتاب عملیات والفجر ۴ را که در ارتفاعات کانی مانگا انجام شده، به تصویر می‌کشد. این ارتفاعات مهم بود؛ چرا که به هر دو طرف اشرف داشت و از همین رو عراقی‌ها روی این کوه آتش زیادی می‌ریختند. کار تحقیق و پژوهش و تدوین کتاب «کوهستان آتش» حدود ۱۶ ماه طول کشید. برای تکمیل برخی از موضوعات مطرح شده در کتاب و روایت‌ها مصاحبه‌های تکمیلی انجام دادیم؛ اما متأسفانه نتوانستیم با برخی از فرماندهان یا افراد مؤثر مصاحبه انجام دهیم و فقط از صحبت‌های آرشوری آنها که در اختیارمان بود، استفاده کردیم. اینکه چرا آنجا نیروها محاصره می‌شوند، چرا جنازه‌ها جا می‌ماند، چرا عملیات در بمو بعد از شش ماه کار شناسایی دقیق یک‌دفعه لغو می‌شود و همه به‌سوی یک راهکار میسر و پاسخ داده نشد. در آن مقطع فرانسه با تحویل سوپر اتانداردها و موشک‌های آگزوسه به صدام، آتش جنگ را شعله‌ورتر کرد. فرانسه با این اقدام صدام را مسلح‌تر کرد و نسبت به اینکه به خواسته‌های بین‌المللی تن ندهد، جری‌تر شد و فقط می‌گفت من صلح می‌خواهم، ولی صلحی که نه غرامت بدهد و نه قبول کند که کسی بیاید بررسی کند که شروع‌کننده جنگ چه کسی بوده است. شهید همت از این حرکت دولت فرانسه که در جهت تشدید جنگ صورت می‌گیرد، با تعبیر «آدم هرزه» یاد می‌کند.

گروه گفت و گو

صبح صادق

یک سال از آسمانی شدن سردار حاج ابراهیم حاجی محمدزاده مؤسس و اولین مسئول دفتر سیاسی سپاه می‌گذرد. به همین مناسبت گفت‌وگوی منتشر نشده با وی که در ماه‌های پایانی عمرش انجام شده از نظر تان می‌گذرد.

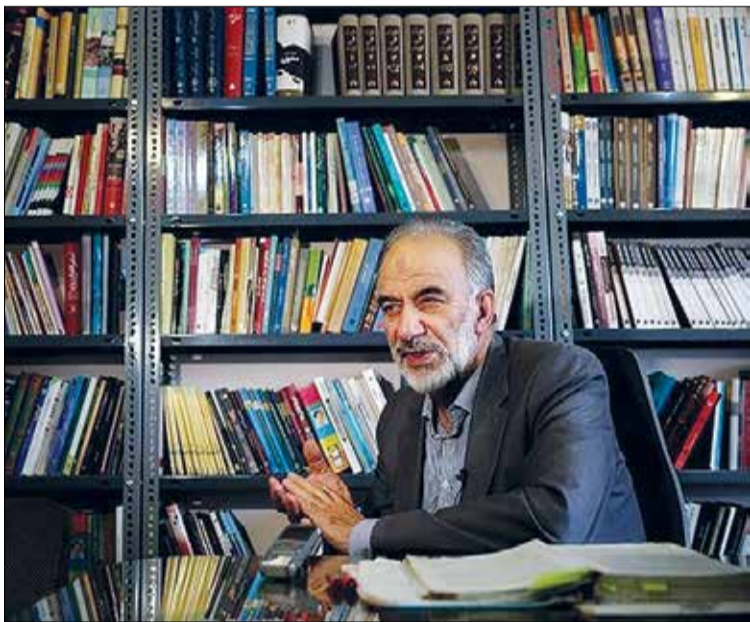
به عنوان اولین سؤال بفرمایید چه انگیزه و اهدافی سبب شد تا ایده تشکیل دفتر سیاسی در ذهن شما شکل بگیرد؟

دو مسئله مهم برای بنده انگیزه ایجاد می‌کرد؛ اول احساس خطری بود که در روزهای اول تأسیس سپاه نسبت به فاصله گرفتن از روحانیت داشتیم؛ لذا اولین کتابی که در دفتر سیاسی چاپ شد، کتاب «سپاه و روحانیت» بود. دوم شناخت شخصی بنده از سران مجاهدین خلق بود؛ چون رجوی، حنیف‌نژاد و سایر سرکرده‌های آن را خوب می‌شناختم؛ کتک‌شان را هم خورده بودم تا جایی که دندان‌هایم را شکسته بودند. به همین دلیل هم از نفوذشان در سپاه‌نگرانی داشتم و هم می‌ترسیدم برخی از نیروهای جوان انقلابی در دام آنها نیفتند. بنابراین همان روزهای اول کتابی با نام «مجاهدین خلق رودر روی خلق» نوشتیم. وقتی در شورای فرماندهی سپاه شنیدیم که «موسی خبابانی» و «مسعود رجوی» قصد دارند به قم بروند و با امام (ره) ملاقاتی داشته باشند، نگران شدم و نزد آیت‌الله موسوی اردبیلی رفتم و از نفاق آنها گفتم. گفتند اینها همین دیروز اینجا آمده بودند. رجوی به من گفت که حاج آقا شما اگر سر من را هم کنار این باغچه ببرید، من هیچ اعتراضی نخواهم کرد. منظور ایشان از بیان این مطلب این بود که من فریب آنها را نمی‌خورم! آقای محسن رضایی وقتی خدمت امام (ره) رسیده بودند، مطلب را خدمت ایشان عرض کرده و گفته بودند یکی از برادران ما در شورای فرماندهی ایشان را خوب می‌شناسد و با آنها بوده است. مقصودش من بودم که روش و نفاق آنها را خوب می‌شناختم و دیده بودم که چگونه روی روحانیت تأثیر می‌گذارند و برخی از آنها را با خودشان همراه می‌کنند. می‌توان گفت، تنها کسی که تحت تأثیر آنها قرار نمی‌گرفت، حضرت امام (ره) بود. آن موقع کسی در سپاه نبود که کار سیاسی و روشنگری سیاسی انجام دهد؛ بنابراین، ما باید این خلأ سیاسی را پر می‌کردیم. در همین راستا از همان ابتدا به سراغ افرادی که مناسب این کار بودند، رفتم که یکی از آنها آقای حسین شریعتمداری بود. از ایشان که آن موقع در کمیته فعال بود، خواستم تا به سپاه بیاید و در دفتر به ما کمک کند. البته اولین نفری که با خودم به دفتر آوردم و مدت‌ها دو نفری کار آنجا را دنبال می‌کردیم، طلبه جوانی به نام «جلال اشجع» بود که بعدها مسئول دفتر ما شد. فرد دیگری که در زندان با او آشنا شده بودم و اهل مسائل سیاسی بود، «بهاء‌الدین شیخ‌الاسلامی» نام داشت که با اصرار و تلاش زیادی وی را از دادستانی به دفتر آوردیم. با همین چند نفر افشارگری علیه گروهک‌های چپ و راست را شروع کردیم. آقای شریعتمداری همان روزها یک کتاب علیه «جنبش مسلمانان مبارز» نوشت که خیلی مؤثر بود و آنها مجبور به توقف فعالیت‌های‌شان شدند. البته خیلی‌ها به این کارها اهمیت نمی‌دادند؛ اما کم کم متوجه ارزش کار دفتر سیاسی شدند. از دیگر اقدامات ما موضع‌گیری در برابر مسائل روز بود که با صدور بیانیه‌ها صورت می‌گرفت. مجموعه بیانیه‌ها در قالب یک کتاب چاپ شد. یکی از اولین بیانیه‌های ما نقصدی علیه بنی‌صدر بود که تحت عنوان «سختی با رئیس‌جمهور» انتشار یافت. وقتی من این بیانیه را به حضرت آقا (رهبر معظم انقلاب) که آن موقع نماینده شورای انقلاب در سپاه بودند، نشان دادم تا نظرشان را بگیرم، دیدم به یک نفری که آنجا بود فرمودند: «بیایید ببینید آقای محمدزاده چه چیزهایی نوشته است.» که منظورشان این بود این بیانیه خیلی مهم است. در مجموع نظر ما این بود که راهی جز اتصال به روحانیت نداریم و بر آن تأکید داشتیم که هنوز برخی از فرماندهان به من می‌گویند که چقدر ما را به خاطر اصرار بر روحانیت اذیت می‌کردی. یکی از آنها می‌گفت، من هنوز آن واژه «مجتهد جامع‌الشرایط» شما را در گوشم دارم. با وجود این، مدتی بعد با ما و دفتر سیاسی برخورد شد و پشت سرمان گفتند که فلائی ضد روحانیت است!

چرا این وضعیت به وجود آمد و این اتهام‌زنی از کجا ناشی می‌شود؟

زمانی که مرحوم آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی نماینده حضرت امام (ره) در سپاه بودند، آقای عبدالله محمودزاده مسئول دفتر ایشان به من خبر دادند که حاج آقا می‌خواهند شما را ببینند. من گفتم باشد، می‌آیم که گفتند ایشان می‌خواهند خودشان به دیدن شما بیایند. من درخواست کردم که برای افطاری (ماه رمضان) تشریف بیاورند، اما قبول نکردند. وقتی به منزل ما تشریف آوردند، به من فرمودند؛ در حالی این اتهام را به شما زدند که من خودم در یکی از جلسات شورای فرماندهی، شش بار دفاع شما از روحانیت را شنیده‌ام و این برای من حجت شرعی است؛ لذا آمده‌ام از شما حلالیت بطلبم. چون قبل از آن یک روز آقای محمودزاده گفت: آقای خرم‌آبادی به من دستور داد که برو در دفتر سیاسی را ازنجیر کن که من گفتم ایس کار را نمی‌کنم، چون من آنها را می‌شناسم و

جلسه‌ای در مجلس در مورد جنگ گذاشته بود که من هم حضور داشتم. حضرت آقا که رئیس‌جمهور بودند هم حضور داشتند. بحث سیدمهدی هاشمی مطرح شد که تازه دستگیر شده بود. من خدمت آقا عرض کردم یادتان هست وقتی در سپاه بودید، به من فرمودید که بروید کمک سیدمهدی هاشمی که آن موقع مسئول نهضت‌ها بود. من همان موقع خدمت شما عرض کردم که صلاح نیست کسی که دستش به خون روحانیت آلوده است، در سپاه باشد و سیدمهدی آدم خطرناکی است. من هر چه اصرار می‌کردم شما پاسخی به من نمی‌دادید. آقا فرمودند؛ بله من یادم هست که شما از همان ابتدا نسبت به سیدمهدی حساس بودید و مخالفت می‌کردید؛ اما چاره‌ای نبود، چون فشارها از طرف آقای منتظری زیاد بود.



این چیزهایی که می‌گویند درست نیست. علت این ذهنیت‌ها، همان چیزهایی بود که ما در خصوص روحانیت از امام نقل می‌کردیم و می‌نوشتیم. جرم ما نقل عین نظرات حضرت امام (ره) بود. ما فقط از روحانیت اصیل و وارسته دفاع می‌کردیم. برای نمونه، ما در نشریه «رویدادها و تحلیل» یک مقاله نوشتیم که برای اولین بار اسلام آمریکایی مطرح شده بود. در آن مقاله، سندی از حضرت امام (ره) زده بودیم که فرموده بودند، نگذارید این برای بعضی‌ها سخت بود. اما ما چیزی جز حرف امام نمی‌نوشتیم؛ برای نمونه اگر دفاع می‌کردند در اولین صفحه رویدادها و تحلیل می‌زدیم و اگر در باب دنیا زدگی هم فرمایشی داشتند، می‌زدیم که یک عده ناراحت می‌شدند و عقده خودشان نسبت به امام را روی ما خالی می‌کردند. امام (ره) یک جمله‌ای در اواخر عمر‌شان داشتند که می‌فرمایند: «هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست و هیچ وسیله‌ای هم بهتر از دنیاگرایی نمی‌تواند روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخوانند با دلسوزی‌های بی‌مورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند.» این جمله امام (ره) در صفحه امام، جلد ۲۱ و صفحه ۹۹ آمده است. این جمله را عده‌ای بر نمی‌تابیدند. چه کسانی؟ همان‌ها که از روز اول دنبال بنز بودند. بعضی‌ها می‌گفتند یک بخش از صحبت‌های امام را برزیم و یک بخش را برزیم؛ ولی ما می‌زدیم و به ضد روحانیت متهم می‌شدیم؛ در حالی که من خودم در تصویب اساسنامه سپاه در مجلس از روحانیت در سپاه دفاع کردم. یکی از نمایندگان که خودش هم در لباس روحانی بود هم اسمش روحانی بود، می‌گفت بدی آقای محمدزاده این است که می‌خواهد به ما درس ولایت‌فقیه بدهد! در قضیه آقای منتظری، وقتی ایشان تحرکاتی را شروع کرد، من با محمد منتظری ارتباط دوستانه زیادی داشتم. ایشان دو روز قبل از شهادتش، شب را در منزل ما خوابید، لذا تنها کسی که از طرف سپاه با ایشان ارتباط داشت، من بودم و مسائل جنگ را برای ایشان تحلیل می‌کردم. چیزهایی از ایشان شنیدم که وقتی بحث قائم مقامی پدرش مطرح شد، احساس خطر کردم و یک نامه ۱۴ صفحه‌ای در باره مسائل ایشان به حضرت امام (ره) نوشتم. آقای منتظری وقتی محسن رضایی را در یک جایی دیده بود، گفته بود: تا زمانی که محمدزاده در سپاه هست، سپاه ضد روحانیت است. وقتی از دفتر سیاسی به مرکز تحقیقات جنگ رفتم، یک شب آقای هاشمی

در ابتدا چنین برداشت می‌شد که دفتر سیاسی قرار بوده است بدون زیر مجموعه در رده‌ها صرفاً در دفتر مرکزی فعال باشد، آیا برای رده‌ها پیش‌بینی دفتر نشده بود؟

نه اینطور نبود که دفتر فقط در مرکز منحصر باشد و ما تصمیم داشتیم در سراسر کشور دفتر سیاسی راه‌اندازی کنیم. در همان روزهای اولیه در بعضی استان‌ها مانند اصفهان، مشهد، کرمان، رشت و... دفتر ایجاد کردیم؛ اما با آغاز جنگ تحمیلی این کارها تحت‌الشعاع قرار گرفت. البته در شهرستان نیروی سیاسی هم کم داشتیم و باید از تهران می‌فرستادیم؛ لذا کار با سختی‌هایی روبه‌رو بود و ما باید بر اساس ظرفیت محلی کادر و ساختار ایجاد می‌کردیم. این موضوع سبب شده بود که مقداری این روند کند طی شود. بعد از جنگ هم چند دفتر در مناطق جنگی از جمله شمال غرب، غرب و جنوب ایجاد کردیم و یک دفتر هم در تهران راه‌اندازی کردیم تا خودمان در دفتر مرکز، بیشتر کار ستادی کنیم.

دفتر در روزهای اولیه چه ساختاری داشت و بیشتر روی چه فعالیت‌هایی متمرکز بود؟

یکی از فعالیت‌های اصلی و مستمر ما انتشار نشریه «رویدادها و تحلیل» بود که هر ماه منتشر می‌شد. تا سال ۱۳۶۱ که ما در دفتر بودیم، ۴۵ شماره از آن چاپ شد. اگر دقت کرده باشید این شماره‌ها با چاپ استنسیل و دستی است، چون ما امکانات چاپ نداشتیم و این کار را با کمک «شهید کلاه‌دوز» در ارتش انجام می‌دادیم. ما برای تهیه مطالب و محتوای نشریه هر دوشنبه یک جلسه با عنوان «شورای تحلیل» داشتیم که مسائل را در آنجا تحلیل کرده و از نتایج آن در نشریه استفاده می‌کردیم. یک نشریه هم به نام «رویدادها» برای مسئولان و نمایندگان مجلس داشتیم که مطالب محرمانه را در آن درج می‌کردیم.

این بولتن‌ها خدمت حضرت امام (ره) هم می‌رفت و ایشان از کارهای ما اطلاع داشتند. خود ما هم خدمت ایشان می‌رسیدیم و گزارش کارمان را می‌دادیم. کتاب «امام در برابر صهیونیسم» را که به انگلیسی هم ترجمه شده بود، خدمت ایشان بردیم. ایشان خیلی از اینکه سپاه کار سیاسی هم می‌کند، بشاش شدند و فرمودند: «چرا اینها را به مردم نمی‌گویید. بعد فرمودند که چقدر من تأکید دارم از کارتان تبلیغ کنید. بروید بگویید.» همین گزارش‌ها را به آقای منتظری هم می‌دادیم؛ اما وقتی گزارش چاپ کتاب «جنبش مسلمانان مبارز» را خدمت ایشان دادیم، آشفته شد و خیلی عصبانی

گفت‌وگوی منتشر نشده با مرحوم سردار ابراهیم حاجی محمدزاده مؤسس و اولین مسئول دفتر سیاسی سپاه

نامه ۱۴ صفحه‌ای به امام (ره) نوشتیم

شد و چنین جمله‌ای را گفت؛ شما علیه دوست من «پیمان» مطلب می‌نویسید؟ البته یک نکته را هم اضافه کنم که بدانید چقدر انتشار این کتاب‌های سیاسی برای دشمنان انقلاب مهم و حساس بود. وقتی کتاب «امام در برابر صهیونیسم» را منتشر کردیم، از عوامل صهیونیستی با ما تماس گرفتند و شروع کردند به تعریف از ما و تقاضای ملاقات با ما را کردند که ما نپذیرفتیم؛ چون به دنبال نفوذ در دفتر سیاسی بودند و ما روش آنها را می‌شناختیم. یک جریان دیگر هم شوروی‌ها بودند که خیلی تلاش می‌کردند در دفتر سیاسی نفوذ کنند؛ حتی سفیر شوروی تقاضای ملاقات با ما را کرد که باز هم ما قبول نکردیم.

منابع خبری و اطلاعاتی شما چگونه و از کجا تهیه می‌شد؟

خب ما از جاهای مختلف اطلاعات و اخبار می‌گرفتیم. کم کم که کار دفتر ادامه پیدا کرد، بولتن‌های خیلی زیادی به تدریج وارد دفتر شد. البته برای برخی از منابعی که در کشور نبود، زحمت زیادی می‌کشیدیم. یک نفر در لندن هر روز مطالب مربوط به گروهک‌های ضد انقلاب را جمع‌آوری می‌کرد و به صورت هفتگی با هواپیما برای ما ارسال می‌کرد. لذا ما هر هفته یک کارتن روزنامه و مطالب را از این طریق دریافت می‌کردیم؛ چون باید به منابع اصلی دسترسی پیدا می‌کردیم و نقطه قوت دفتر سیاسی به همین اطلاعات موثق و اسنادش بود.

در زمینه توجیه حضوری نیروها هم برنامه داشتید یا این موضوع بعدها مطرح شد؟

ما از همان ابتدا علاوه بر مکتوبات، بحث سخنرانی‌ها را نیز داشتیم. من خودم برای راه‌اندازی دفتر سیاسی خیلی به شهرها و استان‌ها سفر کرده و در سخنرانی برای پاسدارها، اوضاع را تحلیل می‌کردم. معمولاً قبل از خطبه‌های نماز جمعه استان‌ها صحبت می‌کردم و از کسانی که در شهرها کار می‌کردند می‌خواستیم تا هر ماه به تهران بیایند و در جریان مسائل قرار گرفته و اطلاعات لازم را در اختیار فرماندهان و نیروها قرار دهند. یک روز در جلسه حزب جمهوری به عنوان سخنران دعوت شدم که حضرت آقا هم حضور داشتند، خاطره‌ای از آلمانی‌ها نقل کردم که یکی از مقامات‌شان گفته بود: «وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، تلاش کردیم ببینیم علت انقلاب چه بوده که به شخصیت امام رسیدیم. برای پی بردن به افکار ایشان، مهم‌ترین کتاب‌شان یعنی ولایت‌فقیه را ترجمه کردیم؛ ولی هر چه خواندیم هیچی نفهمیدیم.» بعد از جلسه که آقا مرا دیدند، فرمودند: نکته جالبی را اشاره کردید.

با شروع دفاع مقدس، فعالیت‌های دفتر چه تغییراتی کرد؟

بخش جنگ راه‌اندازی شد و برای ثبت وقایع جنگ وارد عمل شدیم. هنگام شروع کار، نیرو نداشتیم و حدود ۱۰۰ نفر دانشجو را پیدا کردیم تا به جبهه بفرستیم؛ البته موفق شدیم همه مراحل عملیات‌ها را از زبانه فرماندهان در همه سطوح ثبت و ضبط کنیم. چه جلساتی که آقای هاشمی حضور داشت چه جلساتی که در لشکرها و تیپ‌ها برگزار می‌شد و حتی دستوراتی که از سوی فرماندهان در خط مقدم داده می‌شد. نکته مهم در موضوع روایتگری دفاع مقدس این است که حتی یک مورد هم مطلبی لو نرفت؛ یعنی یک مورد هم پیدا نشد که یکی از ارویان جنگ مطلبی را جایی نقل کرده باشد که نباید پخش می‌شد و این به لطف خدا و خلوصی بود که در بچه‌های دفتر وجود داشت. یک روز آقای رضایی مرا دید و گفت: کدام آدم عاقل مذاکرات جلسه قبل از عملیات را ضبط می‌کند؛ ولی شما این کار را کردید و موفق هم شدید که نشست اطلاعات نداشته باشید.

آیا همه بچه‌های دفتر اینقدر قابل اعتماد بودند که شما دفاع می‌کنید؟ پس ماجرای حضور افرادی مثل عمادالدین باقی و... چه می‌شود؟

خب افسرد مختلفی به این دفتر آمدند و رفتند. عمادالدین باقی مدت کوتاهی در بخش خارجی نیروی آقای سلیمی بود. من یک روز شنیدم که ایشان مدارش را کتک زده است. وقتی این موضوع را شنیدم، از او سؤال کردم که شما مادر را زده‌ای؟ وقتی گفت بله، به او گفتم جای تو در دفتر سیاسی نیست و بلافاصله اخراجش کردیم. در واقع، ما روی نیروهای دفتر حساسیت داشتیم و اجازه نمی‌دادیم حتی یک نفر که اخلاق اسلامی را رعایت نمی‌کند، در این جمع باشد و برخورد ما به حرمت مادر برکتی داشت که در طول هشت سال روایتگری یک مورد در خبر نداشتیم.

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: عبدالله جونی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

علی قاسمی، سیامک باقری، عبداللہ زارعی، فرهاد مهدوی، مهدی سعیدی، فتح الله پیرشان، محمدرضا مهدیار اسماعیلی، حسین عبداللہی فر دیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی مدیر فنی: محمد صالح نادری صفحه آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد کوردزی ناظر چاپ: سعید قاسمی چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۳۸۵۲۴۴۶ (۰۲۱) تلفن: ۱۱۰ و ۷۷۴۶۰۱۰۰ (۰۲۱) sswweekly.ir @ssweekly info@ssweekly.ir شماره: ۷۷۴۸۸۴۲۶ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۹۷۸ | دوشنبه ۱۰ آذر ۱۳۹۹

داستان

زخم گهنه

نقیسه محمدی

دبیر گروه جوان



روی پله‌ها نشسته بود و منتظر شیمای بود. اشک‌هایش را از امیر مهدی و مریم کوچولو پنهان می‌کرد. نباید بچه‌ها چیزی می‌فهمیدند، هم ترس برشان می‌داشت، هم به محض رسیدن مادرشان، خیر را با هیاهو به او می‌رساندند. شیمای چند وقتی بود که از روند ساخت واکسن راضی نبود و شوق توی چشمانش موج می‌زد. غذایش را به همراه نان و سبزی در سینی گذاشت. بچه‌ها دنبالش دویدند. زن خطی را که روی پله‌ها کشیده بود، نشان داد و گفت: «از این پله‌ها جلوتر نمی‌آید وگرنه جایزه ندارید!»

امیر مهدی، مریم سه‌ساله را کنترل کرد و با زبان کودکانه گفت: «نه نیا جایزه نمی‌ده مامان بزرگ...» و همانجا به تماشای مادر بزرگ که ماسک به صورت سینی غذا را از پله‌ها پایین می‌برد، روی پله نشسته. چند ماهی می‌شد که شیمای و شوهرش به بخش تولید و پژوهش واکسن منتقل شده بودند و بیشتر احتیاط می‌کردند تا مادر بزرگ و دونو‌هاش مبتلا نشوند. مدت‌ها بود که شیمای کودکش را در آغوش نگرفته بود، حتی برای نوشیدن چای به طبقه بالا نرفته بود. تنها بچه‌ها و مادرش را روی پله‌ها می‌دید و با دل‌تنگی دستی تکان می‌داد. پیرزن غصه این چیزها را هم می‌خورد، ولی خودش را آرام می‌کرد، چرا که شیمای با کار مهمش قرار بود به مردم کشورش کمک کند. صدای چرخیدن کلید آمد. بچه‌ها هیاهو کردند و شیمای وارد خانه شد. زن، با دیدن شیمای نفس راحتی کشید. لیخند شیمای و اداهایی که برای خنده بچه‌ها از خودش در می‌آورد نشان می‌داد که هنوز خبر را نشنیده، باید صبر می‌کرد تا غذایش را بخورد و کمی خستگی در کند و بعد خودش آرام آرام خبر ترور دکتر را به او بدهد.

شیمای نری الان سرگوشی و تلویزیون و اینا... دست و روتوبشور اول شام تو بخور! نهارم که حتماً نخوردی...!

شیمای چشم کشداری گفت و سببی را با خود به واحد پایین برد که فرنگی او و شوهرش بود. بچه‌ها هم به دنبال مادر بزرگ تا آنتی‌بیوتیک رفتند. در گفتن این خبر سهمگین باید احتیاط می‌کرد. نمی‌خواست خاطره ترور پدرش در اوایل انقلاب زنده شود. مدت‌ها تلاش کرده بودند تا آن صحنه‌های دلخراش را از ذهن شیمای شش‌ساله پاک کنند، گذشته از این هر چه بود دکتر فخری زاده رئیس شیمای بود و بارها از زبان دخترش درباره دل‌سوزی و مهربانی دکتر شنیده بود.

صدای شیمای او را از خاطرات گذشته بیرون کشید. با عجله به سمت پله‌ها دوید. عصبی و اشک‌آلود نگاهش کرد.

مامان، فهمیدی دکتر رو ترور کردن؟! فهمیدی دوباره تیم شدم و روی پله‌ها نشستم. پیرزن دیگر توانست خودش را کنترل کند و اشک‌هایش سرانجام...

صبحانه

قناعت و تلاش

دلخوشی‌های هر کس ثروت اوست و نوع این ثروت به انتظارات و آرزوهای او بستگی دارد. طبیعی است که رسیدن به خواسته‌ها نیز مرون تلاش و البته خوش بینی است. نشستن و غبطه خوردن بدون سعی و آیه یأس و ناامیدی را از مزه کردن، جز اینکه نعمت‌ها را از انسان بگیرد چیزی به ار مغان نمی‌آورد. انسان موفق کسی نیست که همه چیز دارد و زندگی مادی اش بی‌کم‌وکاست است، بلکه کسی است که برای خواسته‌هایش تلاش می‌کند و امیدش را از دست نمی‌دهد، پس بهترین ثروت قناعت و تلاش است.

مشت انتقام

سید فخرالدین موسوی

دبیر تحریریه



«مارگارت تاجر» بر روی ناو جنگی بریتانیا به پاس کشتار آرژانتینی‌ها در جنگ فالکلند مدال افتخار بر سینه سربازانش نشانند و در مقابل یک مشت گره کرده در ورزشگاه آزتکا مکزیکوسیتی در ۲۲ ژوئن ۱۹۸۹ نماد پیروزی میلیون‌ها نفر شد! نماد انتقام مردم جنوب از استعمارگران! آن مشت گره کرده متعلق به کسی نبود جز «دیگو آرماندو مارادونا»!

دستان گره شده شماره ۱۰ آرژانتین در یک چهارم نهایی جام جهانی مکزیک در برابر هواداران انگلیس در هوا می‌چرخید و میلیون‌ها نفر از فرط خوشحالی در سراسر

دنیا به آسمان پریده بودند! کسانی که نه زاده آرژانتین بودند و نه هرگز در خیابان‌های این کشور قدم زده بودند؛ آن ششادی بی‌پایان، زاده یک درد مشترک بود! درد تحمل ظلم و استعمارگری، درد مشترکی که در فاصله ۹۰ دقیقه دیگو مارادونا را از یک فوتبالیست خارق‌العاده به یک اسطوره بی‌همتا بدل کرد. وقتی او با پرش کوتاه به کمک دست خدا پیتر شیلتون، سنگریان تیم انگلیس را مغلوب کرد! وقتی همه بازیکنان انگلیسی را پشت سر گذاشت و تیر خلاص را به آنها زد، از مستطیل سبز فراتر رفت و شد قهرمان مردمان انقلابی!

مبارزه مارادونا با بی‌عدالتی تنها به پیروزی در زمین فوتبال و آن ۹۰ دقیقه تاریخی محدود نماند، زنده گل قرن، هدیه آمریکایی‌ها را پذیرفت و به دیدار فیدل کاسترو رفت، بارها در ستایش چکوارا و نهضت‌های ضد



صادقانه

مکارم اخلاق

پیامبر اعظم (ص) فرمودند: بر شما باد رعایت مکارم اخلاق، که خداوند مرا بر آنها مبعوث نمود و بعضی از آنها عبارتند از: کسی که بر تو ظلم کند، به جهت غرض شخصی، او را ببخش! کسی که تو را نسبت به چیزی محروم گرداند کمکش نما! با شخصی که با تو قطع دوستی کند، رابطه دوستی داشته باش، شخصی که به دیدار تو نیاید به دیدارش برو!

امالی طوسی: ج ۲، ص ۹۲، بحارالانوار: ج ۶۶، ص ۳۷۵، ح ۲۴

قبیله عشق

پر کار و جهادی



اسفند سال ۱۳۸۸ بود. در تالار وزارت کشور مراسم گرفته بودند. شهید باکری مراسم گرفته بودند. محمودرضا زنگ زد و گفت: می‌آیی مراسم؟ سخنران مراسم حاج قاسم است. گفتیم: حتماً می‌آیم. مقابل ورودی تالار قرار گذاشتیم. محمودرضا زودتر از من رسیده بود. صندلی‌ها پر بود و به زحمت جایی روی لبه یکی از پله‌ها پیدا کردیم و نشستیم. تا سردار سلیمانی بیاید، با محمودرضا حرف می‌زدیم ولی حاج قاسم که روی سن آمد، محمودرضا سکوت کرد و دیگر حرف نمی‌زد. محمودرضا تا آخر، همینطور توی سکوت بود و عاشقانه گوش می‌داد. حاج قاسم حرف‌هایش تمام شد. از پله‌های ساختمان وزارت کشور پایین می‌آمدیم که به محمودرضا گفتیم: کاش می‌شد حاج قاسم را از نزدیک ببینیم. گفت: «من خجالت می‌کشم وقتی توی صورت حاج قاسم نگاه می‌کنم؛ چهره‌اش خیلی خسته و تکیه‌دار است.» در صورتی که محمودرضا خودش هم خیلی پرکار و جهادی بود. یک بار گفت: من در حضور حاج قاسم برای بچه‌ها حرف می‌زد، گفتم بچه‌ها من اینطور فهمیده‌ام که خداوند شهادت را به کسانی می‌دهد که پرکار هستند و شهدای ما غالباً اینطور بوده‌اند. حاج قاسم این حرف را تأیید کرد و گفت، بله همینطور است. انگار می‌خواست یک طوری ما را آماده کند که آخر این راه شهادت است.

به نقل از برادر شهید محمودرضایضضانی

محمودرضا بیضضانی ۱۸ آذر ۱۳۶۰ در تبریز متولد شد. شهریور ۱۳۸۵ از دانشگاه افسری فارغ‌التحصیل شد. پس از دو سال حضور در جبهه سوریه، دی ماه ۱۳۹۵ در حالی که فرماندهی محور عملیاتی منطقه «قاسمیه» دمشق را برعهده داشت، بر اثر اصابت ترکش‌های یک تله انفجاری به ناحیه سر و سینه به فیض شهادت نائل آمد.

سلامت

ورزش به تنهایی کافی نیست

زهره وحیدی نیا

کارشناس علوم تغذیه

چاقی نوعی بیماری است که نه تنها زیبایی شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سلامت شما را هم به خطر می‌اندازد و شما را مستعد ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها، از جمله ویروس کرونا می‌کند. این بیماری پیچیده به عوامل زیادی از جمله ژنتیک، خواب ناکافی، استرس، استفاده از غذاهای بسته‌بندی شده و... بستگی دارد. جالب است بدانید مصرف بعضی از داروها مانند داروهای ضدافسردگی، دیابت و فشارخون هم سبب چاقی می‌شوند. برخی از ویروس‌ها می‌توانند موجب مقاومت به انسولین، افزایش تولید چربی، تجمع چربی و کاهش تجزیه چربی‌ها و در نتیجه چاقی بشوند. تحقیقات نشان داده‌اند میکروبیوم‌های طبیعی فلور روده هم می‌توانند سبب چاقی یا لاغری افراد شوند. باکتری‌های خوب و باکتری‌های بد در روده بیشتر باشد، باعث کاهش وزن و اگر برعکس باشد موجب چاقی می‌شود. یک علت ساده مهم را فراموش نکنید؛ وقتی که انواع غذاهای سفره مقابل چشمان شما باشد، سبب می‌شود شما بیشتر از کالری مورد نیازتان غذا بخورید. البته این دیدگاه که فعالیت فیزیکی نداشته‌اند باعث پیشرفت اضافه وزن می‌شود کمی با ابهام رویه‌روست، صرف داشتن فعالیت بدنی نمی‌تواند اثر رژیم غذایی بد را خنثی کند؛ خودداری از مصرف نوشیدنی‌های قندی، فست‌فودها و بیش خوری تأثیر بسیار بیشتری در کنترل وزن شما دارد. اما اگر کنار داشتن رژیم سالم و به اندازه خوردن فعالیت بدنی هوازی با شدت متوسط به مدت ۲۵ تا ۳۰ دقیقه در هفته داشته باشید، می‌توانید وزن خود را کاهش داده و آن را حفظ کنید.



راه نرفته

هدیه شیرین است

مدیقه‌سادات شجاعی

مشاور خانواده



پرش: مدت پنج ماه است که عقد کرده‌ام، همسر مرد خوب و خوش اخلاقی است، اما به رسم و رسوماتی مانند عید نوروز، شب یلدا و... بی‌توجه است و بارها سر این مسئله با هم بحث داشته‌ایم و او اصلاً نمی‌پذیرد، از این رفتار خانواده‌ام ناراحت هستم و آن را نشانه بی‌توجهی او می‌دانم. لطفاً راهنمایی کنید.

پاسخ: پرسشگر عزیز؛ دوران عقد می‌تواند یکی از خاص‌ترین و خاطره‌انگیزترین دوره‌های زندگی یک زن و مرد باشد. وقتی دو نفر از دو خانواده و فرهنگ متفاوت کنار هم قرار می‌گیرند، طبیعی است که در بعضی از موضوعات با یکدیگر اختلاف نظر داشته باشند که گاهی برای شان دردسرساز می‌شود؛ اما ناآگاهی سبب وخیم‌تر شدن شرایط خواهد شد. فلسفه هدیه دادن در دوران عقد را برای همسرتان تشریح کنید. لزومی ندارد حتماً به نام شب خاصی باشد و اگر هم به مناسبتی قرار است هدیه داده شود با ایشان با محبت صحبت کنید و ریشه آن را برای شان تشریح کنید. البته هدیه دادن گاهی با توقعات کاذب و تجملات بیشمار همراه است و بعد از مدتی جنبه وظیفه پیدا می‌کند و از همه مهم‌تر بار مالی زیادی به همراه دارد، سعی کنید انتظارات مالی‌تان را بر اساس شناختی که از طرف مقابل و سطح درآمد او به دست آورده‌اید، تنظیم کنید. به همسرتان بگویید که با هدیه دادن، نوعی عشق و محبت را نشان می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هدیه به همسر عفت او را بیشتر می‌کند.» امام علی (ع) می‌فرمایند: «هدیه دادن دوستی را به دنبال می‌آورد.» البته بحث هدیه دادن نیازمند مدیریت است. حتی گاهی هدایای کوچک مانند شکلات، تابلو یا شاخه گل می‌تواند تأثیر روانی مثبتی بر فرد بگذارد. در مناسبت‌های خاص به همسرتان یادآوری کنید که خانواده هم می‌تواند در دادن هدیه مشارکت کند. جشن‌های مناسبتی را در خانواده خودتان اجرا کنید و همسرتان را در شادی‌های خانوادگی شریک کنید تا ارزشی را که برای خود و احساسات‌تان قائل هستید، مشاهده کند و کم‌کم در مسیر درست با فکری صحیح، قرار گیرد. در پایان به هیچ‌وجه او را با همسر دیگران مقایسه نکنید.

حسن ختام

یکی تو را خوانده

دلت به لرزه می‌افتد و تب‌وتابی در وجودت شعله می‌کشد. یک نفر که همه عالم به فدای اوست، راه نجات نشان داده، گفته اگر گره افتاد در کارت، از آن بالا سراسری بخوای که تعجیل کند در امرش. آدمی، اگر گوشش بدکار این حرف‌ها و خواسته‌ها باشد، شب و روز، خواب و بیداری برایش نمی‌ماند. خلوت و جلوست نمی‌فهمد. همه فکر و ذکرش می‌شود آن عزیز دعا خواسته، می‌خواهد چشمش گرم خواب بشود، خواب از سرش می‌برد. می‌خواهد به جمعی برود یا بنشیند، یاد آن مشکل‌گشا می‌افتد و از او می‌گوید. «یک نفر خیلی دلش برای دعای شما می‌تپد، یک نفر که تو را بیشتر از خودت می‌خواهد.» راستش این دعا از آن دعاهاست که تمام عمرش به جیب خودمان است. برای گردگشایی کار ماست. او مولا و سرور و امام زمان (عج) شمامست که سال‌هاست شما را خطاب داده و خوانده است: «اَكْبُرُوا الدَّمَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكُمْ فَرَجُكُمْ».